

بها: ۱/۵۰ مارک

به مناسبت چهارمین سال روز اول ماه مه

(۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۱)

پس از پیروزی انقلاب

تحلیلی از

حقوق صنفی و شورائی  
کارگران و زحمتکشان  
در جمهوری اسلامی ایران

- تحلیلی از حقوق صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان در  
جمهوری اسلامی ایران
- حسین فروردین .
- چاپ اول : اردیبهشت ۱۳۶۱
- تیراژ : ۱۰۰۰۰
- انتشارات کاوه ، میدان انقلاب ، پاساژ ایران
- چاپ :

انتشارات کاوه

تکثیر از: هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (الکتریت) در آلمان فدرال

به مناسبت چهارمین سال روز اول ماه مه

(۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۱)

پس از پیروزی انقلاب

تحلیلی از

حقوق صنفی و شورائی

کارگران و زحمتکشان

در جمهوری اسلامی ایران

## ۱- حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برخوردهای انقلابی و لیبرالی نسبت به آن.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی، حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان، که خرد نقش اساسی و تعیین کننده در پیروزی انقلاب داشتند، با دو برخورد متفاوت از جانب حاکمیت انقلاب مواجه گردید. یک برخورد متعلق به مسلمانان انقلابی پیرو خط امام بود، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بصورت اصول ۲۶ و ۱۰۴ منعکس گردید و رسمیت پیدا کرد.

اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد:  
«احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد و یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.»

اصل ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز چنین حاکیست:

«به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هم‌آهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهائی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند

انتشارات کاوه

چاپ اول ۶۱/۱/۱۵

حق چاپ برای انتشارات کاوه محفوظ است

قیمت ۵۵ ریال

اینها شوراهائی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل میشود.

چگونگی تشکیل این شوراها و حدود و وظایف و اختیارات آنها را قانون معین میکند.

چنانکه در اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دیده میشود، حق تشکل صنفی کارگران و زحمتکشان و حق شورائی آنان، حاوی مشارکت در نظارت و اداره واحدهای تولیدی - خدماتی بصراحت و روشنی تمام در قانون اساسی انعکاس یافته و رسمیت پیدا کرده است. این دو اصل را میتوان سرفصل دست - آوردهای کارگران و زحمتکشان از پیروزی انقلاب اسلامی دانست. تعلق خاطر کارگران و زحمتکشان به رعایت کامل این اصول نیز ناشی از چنین اهمیتی است.

چنانکه در اصل ۲۶ دیده میشود، کارگران و زحمتکشان، اعم از شاغلان کاریدی و یا فکری، بدون هیچگونه محدودیتی از لحاظ سنی، نژادی، مذهبی، عقیدتی و ملیت آزادند در انجمنهای صنفی خود گرد آیند و از منافع صنفی - اجتماعی خود، بگونه ای که مغایر با اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی نباشد، دفاع کنند:

«هیچکس را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد. یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.»

ذکر قسمت اخیر در اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصادفی نیست. این حاصل تجربه تلخ دوران دیکتاتوری طاغوت است، که خود را به هر نوع دخالتی در امور احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی مجاز میدانست. مثلاً برای کارگران و زحمتکشان سندیکا میساخت، یا آنان را بهرود در سازمانهای قلابی وادار میساخت و یا از تشکیل انجمنهای آزاد صنفی کارگران ممانعت بعمل می آورد.

به منظور جلوگیری از چنین اقدامی در آینده از هر جانی که باشد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به درستی هر نوع دخالتی را در انجمنهای صنفی و سایر تشکلهای سیاسی و اجتماعی با قاطعیت تمام منع میکند.

انجمنهای صنفی کارگران و زحمتکشان، ضمن اینکه از منافع

صنفی و اجتماعی کارگران و زحمتکشان دفاع میکنند، به نمایندگی از جانب کارگران و زحمتکشان، از حق مشارکت در نظارت و اداره تولید اجتماعی نیز برخوردارند.

مشارکت در نظارت و اداره تولید اجتماعی از حقوق شناخته شده انجمنهای صنفی کارگران و زحمتکشان است که، باید از سالها به اینطرف بهمناسبت اجتماعی شدن تولید و خدمات در مقیاس نسبتاً وسیع در کشور ما بر رسمیت شناخته میشود. لیکن رژیم طاغوت، همانگونه که حق تشکل آزاد صنفی کارگران و زحمتکشان را زیر پا می گذاشت، همان گونه هم به شناسائی حق مشارکت کارگران و زحمتکشان در نظارت و اداره تولید اجتماعی تن در نمیداد. سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته در ایران مانع از شناسایی این حق بود.

اهمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از نظر شناسائی حقوق صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان در اینست که، در آن نه فقط حق تشکل آزاد صنفی آنان به رسمیت شناخته شده، بلکه طبق اصل ۱۰۴ حق مشارکت کارگران و زحمتکشان در نظارت و اداره تولید اجتماعی تأیید و شیوه اعمال آن نیز بصراحت و روشنی تمام خاطر نشان شده است. طبق این اصل، کارگران و زحمتکشان از طریق انتخاب نمایندگان خود (که طبعاً از جانب تشکلهای صنفی انتخاب خواهند شد) جهت تشکیل شوراهائی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، حق شورائی خود را «به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامهها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، اعمال خواهند نمود. حق شورائی کارمندان و کارکنان در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها» از طریق تشکیل شوراهائی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها، اعمال میشود.

در حالیکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۶ مقامات دولتی را از دخالت در امور انجمنهای صنفی برحذر داشته، در اصل ۱۰۴ به درستی خاطر نشان میسازد که «چگونگی تشکیل این شوراها، یعنی شوراهائی که از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، تشکیل میشود، و حدود وظایف و اختیارات آنها را، قانون معین میکند. بدینگونه سخن، آنچه نیازمند لایحه قانونی

و آئین‌نامه است، نه تشکلهای صنفی کارگران و زحمتکشان در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و یا مؤسسات و ادارات، بلکه شوراهای قانونی است، که اصل ۱۰۴ تشکیل آنها را مقرر داشته است.

وظیفه وزارت کار و امور اجتماعی و یا هر سازمان دیگری که بخواهد بتدوین لایحه قانونی و آئین‌نامه‌های مربوط به تشکیل شوراهای اصل ۱۰۴ قانون اساسی اقدام نماید، از قبل معلوم و روشن شده است. چنین لایحه‌ای باید مبتنی برچگونگی تشکیل شوراهای تعریف شده در اصل ۱۰۴ قانون اساسی، بعنوان نهاد قانونی باشد، که نه تشکل صنفی است و نه مدیریت، بلکه نهادی متشکل از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران است، که وظیفه دارد «تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی» را با استفاده از حدود وظایف و اختیاراتی که قانون برای آن معین می‌کند، تحقق بخشد.

اعتقاد ما براینست که مسلمانان انقلابی پیرو خط امام و در راس آنها شهید آیت‌اله بهشتی - که نقش اساسی در تدوین و تصویب قانون اساسی داشته‌اند - چنانکه بعداً خواهیم دید، چنین برداشتی از اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی داشته‌اند. اما مناسبانه باید گفت که برخلاف برداشت مسلمانان انقلابی پیرو خط امام، لیبرالها و محافظین منافع سرمایه‌داری بزرگ با استفاده از نفوذ و موقعیت خود در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در دوران دولت موقت، معروف به «دولت گام به گام»، تا ریاست جمهوری بنی‌صدر معزول و فراری موفق شدند که با ترفندهای بااصطلاح قانونی، حقوق صنفی و حقوق شورائی کارگران و زحمتکشان را زیر پا بگذارند. این ترفندهای بااصطلاح قانونی در «لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان در واحدهای تولیدی و خدماتی»، که با استفاده از ریاست بنی‌صدر برشورای انقلاب به تصویب رسید، و همچنین آئین‌نامه‌هایی که بر اساس آن تدوین گردید، انعکاس کامل یافته است.

لیبرال‌ها، بعنوان محافظین منافع سرمایه‌داری بزرگ و وابسته، نه فقط با تشکل صنفی کارگران و زحمتکشان مخالف بودند، بلکه حق نظارت شورائی را مغایر منافع و مقاصد خود میدانستند. به همین

جهت آنها از همان روز پس از پیروزی انقلاب، هم با رعایت حقوق صنفی کارگران و زحمتکشان و هم با حقوق شورائی آنان از در مخالفت درآمدند. اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بعنوان دوخار بزرگ در چشم کلان سرمایه‌داران و محافظین منافع آنها، به هیچ روی برای لیبرال‌ها قابل تحمل نبود. به همین جهت آنها در صدد برآمدند، تا با ترفند بااصطلاح قانونی با حقوق صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان مخالفت کنند.

با «لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان...» و آئین‌نامه‌های آن در واقع با یک تیر دو نشان زده شده است: هم حق تشکل آزاد صنفی کارگران و زحمتکشان، طبق اصل ۲۶ قانون اساسی زیرپا گذاشته شده و هم حق مشارکت کارگران و زحمتکشان در نظارت و اداره تولید اجتماعی، طبق اصل ۱۰۴ قانون اساسی، تزییع گردیده است. لایحه قانونی و آئین‌نامه‌های مورد بحث، که ما به تفصیل به تشریح آنها خواهیم پرداخت، از چنین ماهیتی برخوردارند. هدف «لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان...» و آئین‌نامه‌های آن به بندکشیدن جنبش صنفی کارگران و زحمتکشان بطور کلی، ادامه دخالت‌های غیرقانونی دوران طاغوت در امر تشکل‌های صنفی و تبدیل آنها به سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی است، که به هیچوجه به نفع یک دولت انقلابی نیست. این لایحه و آئین‌نامه‌های اجرایی آن ناقض اصول قانون اساسی است، زیرا هم حق تشکل آزاد صنفی کارگران و زحمتکشان (اصل ۲۶) را زیر پا می‌گذارد و هم حق مشارکت کارگران در نظارت و اداره تولید اجتماعی (اصل ۱۰۴) را تزییع میکند. لایحه قانونی و آئین‌نامه‌های آن اعمال فشار به کارگران را «قانونی» میسازد و سرچشمه بسیاری از اختلالات در محیط‌های کارگری در گذشته بوده و، اگر حفظ شود، در آینده نیز خواهد بود. روشن است که چنین لایحه‌ای به‌عمرای آئین‌نامه‌های اجرایی آن باید لغو گردد و کارگران و زحمتکشان از حقوق صنفی و شورائی، چنانکه اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحت دارد، برخوردار گردند.

\*\*\*

ضدانقلابی در امر تولید و خدمات پایان داده شود، در واحدهای تولیدی - خدماتی نظم انقلابی مستقر شود، کشمکش بر سر طرز اداره واحدهای تولیدی - خدماتی خاتمه یابد، تکلیف تشکل‌های صنفی، نهاد شورائی - طبق اصل ۱۰۴ قانون اساسی - و مدیریت روشن گردد و چرخ تولید و خدمات در جهت تقویت بنیان اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران و تحکیم انقلاب با قدرت و سرعت تمام براه افتند.

لیکن دشمنان انقلاب و طبقات زحمتکش، که متاسفانه توانستند از همان ابتدا مواضع مهمی را در حاکمیت انقلابی اشغال کنند، مایل به تحقق چنین هدف‌های مهمی بسود تثبیت و تحکیم مواضع انقلاب و گسترش آن نبودند. به‌عکس، آنها میخواستند ضمن جلوگیری از تشکل صنفی کارگران و زحمتکشان، با محروم نگاه داشتن انقلاب از قدرت تشکل صنفی نیرومند و کارآ، در عین حال واحدهای تولیدی - خدماتی را نیز در هرج و مرج و اختلال نگاه دارند، تا انقلاب نتواند به تثبیت مواضع اقتصادی، که عمده‌ترین مسئله عرانقلابی است، نائل آید.

مخالفتان انقلاب، که قبل از همه دو اولین دولت پس از انقلاب معروف به «دولت موقت گام به‌گام» موضع گرفته بودند، ابتدا ضربات خود را متوجه سازمان‌های صنفی زحمتکشان نمودند. آنها تشکل‌های صنفی کارگران (سندیکاه‌ها) را «طاعوتی» قلمداد کردند و مدعی شدند که تجمع‌های صنفی باعث خوار شدن کارگران بدنبال «رفاه‌طلبی» برون‌دو طرح خواست‌های رفاهی خود را بر وظائف انقلابی مقيم بدارند. تجربه دو سال و هشت‌ماه پس از پیروزی انقلاب این تهمت‌های ناجوانمردانه به طبقه کارگر را بیش از پیش افشا ساخته است.

دوران پس از پیروزی انقلاب گواه بر آنست که کارگران و زحمتکشان ایران و تشکل‌های صنفی آنان بهتر و بیشتر از هر طبقه و تشکلی به‌وظائف انقلابی خود عمل کرده‌اند. کارگران و سازمان‌های صنفی آنان در این مدت بدون کمترین تزلزلی و وظائف دفاع از انقلاب، مبارزه ضدامپریالیستی، طرد تجاوز نظامی، در هم شکستن محاصره اقتصادی و نظائر آنرا برخواست‌های رفاهی خود - اگر

## ۲- دولت موقت «گام به‌گام» و تضييع حقوق صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان.

وظیفه دولت‌های پس از پیروزی انقلاب و مقامات ذیربط، مانند وزارت کار و امور اجتماعی، آن بود که، به حقوق صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان احترام بگذارند و مجری اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشند. کابینه‌های پس از انقلاب وظیفه داشتند با تفسیر صحیح از اصول یاد شده قانون اساسی، قوانین و مقررات و شرایط ضرور و لازم برای آزادی تشکل‌های صنفی و تحقق حقوق شورائی کارگران و زحمتکشان را فراهم آورند. پرداختن به این مسائل هم از نظر منافع انقلاب و هم برای تأمین خواست‌های قانونی کارگران و زحمتکشان، ضرور بود.

تأمین آزادی تشکل‌های صنفی و برداشتن موانع طاغوتی از سر راه رشد آنها موجب میگردد که جنبش عظیم صنفی طبقه کارگر ایران که بنابه سوابق مبارزاتی هفتاد ساله، از شور انقلابی، شم قوی طبقاتی و آگاهی در مبارزه سیاسی برخوردار بود، به‌پشتوانه مادی تشکیلاتی - سازمانی دسترسی پیدا کند. تشکل پنج میلیون نفر کارگر و زحمتکش در سازمان‌های صنفی، قدرت رزمی عظیمی را در خدمت انقلاب قرار میداد. چنین تشکلی مطمئن‌ترین و کارآترین تشکل در برابر توطئه‌های ضدانقلاب و امپریالیسم بود و هست و نیرومندترین تضمین در راه تثبیت سریع پیروزی‌های بدست آمده و تأمین پیروزی نهائی انقلاب بشمار میرود.

ایجاد نهاد قانونی شورائی، چنانکه اصل ۱۰۴ قانون اساسی

بتوان به خواست‌های کارگران چنین نامی گذاشت - مقدم داشته و میدارند.

کارگران و زحمتکشان نه فقط محرومیت‌هایی را، که سرمایه‌داران آزمند و غارتگر داخلی از طریق گرانی، احتکار، سودجویی، تورم و نظایر آن به آنان تحمیل کرده و میکنند، با صبر و بردباری انقلابی تحمل مینمایند، بلکه بیشترین آمادگی را برای ابراز فداکاری در جبهه و پشت جبهه، در تولید و خدمات نشان داده و میدهند. تنها مغرضین و دشمنان طبقاتی می‌توانند طبقه کارگر را به بهانه مقدم داشتن خواست‌های اقتصادی - رفاهی بر ضرورت‌های انقلابی، از حق تشکل آزاد و صنفی، که در شرایط تاریخی فعلی بیش از آنکه برای خود این طبقه ضرور باشد، برای حفظ انقلاب ضرور است، محروم نگاه دارند. متأسفانه باید گفت که چنین توفیقی نصیب دشمنان انقلاب و طبقه کارگر شده است.

اما تنها حقوق صنفی زحمتکشان نبود که آشکارا پیمان گردید حقوق شورائی آنان نیز مورد حملات بسیار شدید و دستبردهای گوناگون قرار گرفت. این حملات بویژه از جانب سرمایه‌داری بزرگ و لیبرال‌های حافظ منافع آن صورت گرفت، که قبول شرکت طبقه کارگر و زحمتکشان در نظارت و اداره تولید اجتماعی را کابوس بسیار وحشتناکی میدیدند. در این زمینه «دولت موقت کام به‌کام» از همان ابتدای پس از پیروزی انقلاب، حقوق شورائی کارگران و زحمتکشان را بشدت مورد حمله قرار داد و به طرق گوناگون مانع از تحقق آن گردید.

وزیرکار کابینه موقت هنگام مراجعه نمایندگان شوراهای اسلامی کارگران در خرداد ماه ۱۳۵۸، به وزارت کار، که به رسمیت شناختن شوراهای را طلب میکردند، در پاسخ آنان با حالت اعتراضی چنین گفت:

«در وزارت کار یا جای من است یا جای شوراهای!»

یک چنین مخالفت عنودانه با شوراهای، ضمن آنکه از خصومت ذاتی لیبرال‌ها با حقوق تشکل‌های صنفی کارگران ناشی میشود، بیش از آن نتیجه ترس و وحشتی بود که از شرکت زحمتکشان در اداره تولید اجتماعی بر آنان مستولی شده بود. سرمایه‌داری بزرگ و لیبرال‌های حامی منافع آن در دولت موقت میدیدند که طبقه کارگر

ایران بدرجه‌ای از رشد اجتماعی - طبقاتی ارتقاء یافته، که توان اداره تولید اجتماعی را دارد و آزمایش اداره اقتصاد کشور بدون سرمایه‌دار را از سر میگذرانند. چنین وضعی برای سرمایه‌داری و نمایندگان آن قابل تحمل نبود.

ولی مخالفت وزارت کار و امور اجتماعی «دولت موقت کام به‌کام» نقوانست مانع از شور انقلابی کارگران و زحمتکشان در تشکیل شوراهای در واحدهای بزرگ تولیدی - خدماتی گردد. به همین جهت در اواسط سال ۱۳۵۸، دولت موقت از راه دیگری به مخالفت با تشکل‌های شورائی برخاست. «دولت موقت کام به‌کام» در صدد بر آمد، تا با صدور بخشنامه‌ای که بظاهر شوراهای را به رسمیت می‌شناخت، ضربه جدی به شوراهای وارد آورد.

بخشنامه دولت موقت گرچه به ظاهر شوراهای را «قانونی» می‌شناخت ولی عملاً، عم حقوق صنفی و هم حقوق شورائی کارگران و زحمتکشان، هر دو را از پایه و اساس نقض مینمود. به همین مناسبت بود که صدور بخشنامه کذائی با مخالفت جدی کارگران و زحمتکشان روبرو گردید، و افکار عمومی آن بخشنامه را استهزاء خواست‌های قانونی کارگران و زحمتکشان در زمینه شناسائی حقوق صنفی و شورائی آنان تلقی کرد.

بخشنامه دولت موقت گرچه به اجرا درنیامد، لیکن چنانکه خواعیم دید، برای اقدامات ضد کارگری لیبرال‌ها در حاکمیت در مراحل بعدی، وسیعاً مورد استفاده قرار گرفت. توطئه‌های بعدی علیه حقوق صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان، با تکیه بر همین بخشنامه، بعنوان منشور ضد کارگری لیبرال‌های ماسک‌زده، سرهم بندی شد، که نتایج زیان‌بخشی علیه تشکل‌های صنفی و حقوق شورائی کارگران و زحمتکشان ببار آورد.

\*\*\*

### ۳- توطئه لیبرال‌های ماسک‌زده علیه حقوق صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان.

«دولت موقت کام به‌کام» بر اثر تعمیق روند انقلاب طرد گردید، اما این امر به مخالفت با حقوق صنفی - شورائی کارگران و زحمتکشان پایان نداد. از آن پس این مخالفت اشکال پیچیده‌تر و موزیانه‌تری به خود گرفت. سرمایه‌داران و لیبرال‌های نماینده آنان متوجه شدند که طبقه کارگر آگاه‌تر از آنست که بتوان بسادگی حقوق آنرا تصویب کرد. بهمین جهت آنها، مانند همه موارد مشابه، به سراغ مسخ قانون رفتند.

تصویب نهائی و رسمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نیمه دوم سال ۱۳۵۸، تصویب حقوق قانونی کارگران را دشوارتر میساخت، زیرا در اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی - چنانکه در مقدمه این بحث متذکر شدیم - حقوق صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان بصراحت و روشنی تمام بیان شده بود. همچنین اشغال لانه جاسوسی آمریکا و بسط مبارزات ضد آمریکائی، که به ارتقاء انقلاب به مرحله جدیدی انجامیده بود، به لیبرال‌های ماسک‌زده مانند بنی‌صدر امکان نمیداد که توطئه خود را در تخطئه حقوق صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان، سرپا به اجرا بگذارند. از اینجا بود که اجرای این توطئه به نیمه اول سال ۱۳۵۹ موکول شد، که در آن، بنی‌صدر خود را در اوج قدرت میدید و لیبرال‌های ماسک‌زده دیگری نظیر او، همچنان مواضع خود را در وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی و صنایع و معادن محکم میدیدند.

لیبرال‌های ماسک‌زده، که خود مبتکر بخشنامه ضد کارگری در زمینه تصویب حقوق صنفی و شورائی زحمتکشان در کابینه موقت بودند، بدون اطلاع حاکمیت انقلابی در بالا و کارگران دریانین، به تدوین «لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی - صنعتی - کشاورزی و خدماتی» پرداختند. همین لایحه کذابی بود که اواخر تیرماه ۱۳۵۹، به همراه لایحه ضدکارگری دیگری در مورد لغو مشارکت کارگران در سود ویژه در واحدهای تولیدی، با استفاده از وجود بنی‌صدر در راس شورای انقلاب و غیبت روحانیون پیرو خط امام در جلسه از تصویب گذرانده شد و بعنوان توطئه جدی و دامنه‌دار علیه حقوق صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان به اجرا درآمد.

توطئه لیبرال‌های ماسک‌زده در تصویب لوایح ضد کارگری، که بعداً به تشریح آنها خواهیم پرداخت، تنها علیه حقوق صنفی و شورائی کارگران نبود. این توطئه هدف سیاسی موزیانه‌ای را نیز تعقیب میکرد. و آن بدبین‌کردن و رو در رو قرار دادن کارگران و روحانیت پیرو خط امام بود. برای اینکه به ماهیت توطئه‌های بنی‌صدر و سایر لیبرال‌های ماسک‌زده در این دوران پی ببریم و بدانیم که آنها به عمد موجبات عدم رضایت کارگران و زحمتکشان از ارکان - های انقلابی را به وجود می‌آوردند، بجاست به تذکر شهید آیت‌الله بهشتی اشاره کنیم.

شهید آیت‌الله بهشتی در ارتباط با عدم رضایتی که تصویب لوایح به اصطلاح قانونی کارگری، منجمله لغو سود ویژه در بین کارگران به وجود آورده بود، و بنی‌صدرها و سایر لیبرال‌های ماسک‌زده این عدم رضایت را متوجه او و دیگر روحانیون پیرو خط امام میساختند، صریحاً گفت که این لوایح با استفاده از غیبت وی و دیگر روحانیون پیرو خط امام (عضو شورای انقلاب) به تصویب شورای انقلاب رسانیده شده است.

عین اظهارات شهید آیت‌الله بهشتی را در این‌باره از متن سخنرانی منتشر شده وی در شهریور ۱۳۵۹، که پس از یکسال در شماره ۶۹۴ روزنامه «جمهوری اسلامی»، به تاریخ چهارم آبان ۱۳۶۰ انتشار یافته، در زیر نقل میکنیم:

شهید آیت‌الله بهشتی در این سخنرانی چنین میگوید:



«همین قانون لغو سود ویژه کارگران - این تصویبش در جایی بوده که ما نبردیم. نه من بودم. نه برادر من آقای عاشمی و نه برادرهای دیگر. میدانید آنجا هر وقت هفت نفر از شورای انقلاب بودند و هر هفت نفر رای موافق میدادند، تصویب میشد. خوب اعضای شورای انقلاب ۱۳ نفر بودند. و شرط تصویب هم این بود که حتماً هفت رای موافق داشته باشد، خواه حاضرین ۱۳ نفر باشند خواه ۷ نفر، خواه ۸ نفر باشند. بنابراین وقتیکه تصویب میشد این لوایح، و چون ما آنجا نبودیم تا مخالفت خودمان را بگوئیم و استدلال کنیم و بنویسیم، از این جور لوایح هم تصویب شد. یک چیزی خوشه‌زهرتر است، و آن اینکه ما نبرده‌ایم، و با این قوانین هم مخالف بوده‌ایم، و بعد میروند توی محیط کارگری میگویند می‌دانید چطور قانون سود ویژه را لغو کردند به زیان شما. این کار روحانیون شورای انقلاب است. این هم دیگر خوشمزگی‌ش.»

چنانکه می‌بینیم لوایح به اصطلاح قانونی که لیبرال‌های ماسک‌زده از شورای انقلاب گذرانند، تنها علیه کارگران و زحمتکشان و حقوق قانونی آنان نبود. این لوایح هدف سیاسی مزورانه ایجاد نفاق بین روحانیت پیرو خط امام و کارگران و زحمتکشان و دامن‌زدن به آنها نیز تعقیب میکرد. ولی کارگران و زحمتکشان متوجه این فریب سیاسی بودند و از همان روز پس از تصویب و انتشار این لوایح ضدکارگری، لغو آنها را خواستار شدند، معذالک مناسفانه صدای اعتراض آنان شنیده نشد. چنانکه خواهیم دید این لوایح منشاء و مبداء تضييع بیست‌نفر حقوق قانونی کارگران و زحمتکشان، چه در زمینه حقوق صنفی و شورائی، و چه در زمینه‌های دیگر قرار گرفت.

هفته‌نامه کارگری «اتحاد»، ضمن انعکاس اعتراض جدی کارگران و زحمتکشان به لوایح ضدکارگری لیبرال‌های ماسک‌زده، که با عجله و یکی پس از دیگری از شورای انقلاب می‌گذرانند، در مرداد ۱۳۵۹ چنین نوشت:

«وزارت کار و امور اجتماعی نه تنها هوازی با روند انقلاب، تغییر در روش خود نسبت به تامین منافع کارگران و زحمتکشان نداده، بلکه به صورت مرکزی درآمده که از آنجا منافع کارگران زیر ضربه قرار میگیرد. اینطور به نظر میرسد که مسئولین وزارت کار و

امور اجتماعی میخواهند در تضييع حقوق کارگران و زحمتکشان، از کلیه وزارتخانه‌هایی که، به فرموده امام، طاغوتی مانده و اصلاح نشده‌اند، مقدم‌تر قرار گیرند. والا، دلیلی ندارد که وزارت کار و امور اجتماعی یکی پس از دیگری تصمیمات و قوانین ضدکارگری بگذراند و به طرق کوناگون در صدد تضييع حقوق و دستاوردهائی برآید که کارگران ایران با شرکت خود در انقلاب تحصیل کرده‌اند.» (هفته‌نامه «اتحاد»، شماره ۶۵ - ۲۸ مرداد ۱۳۵۹).

هفته‌نامه «اتحاد» با بررسی «لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان همان موقع بدرستی آن لایحه را ناقص حقوق صنفی و تئورائی کارگران و زحمتکشان دانست و بعنوان لایحه‌ای ضد کارگری، لغو آن را از مجلس شورای اسلامی خواستار گردید. هفته‌نامه «اتحاد» نوشت:

گذرانیدن تعجیلی لوایحی از قبیل «لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان»، را جز با خصومت وزارت کار با حقوق کارگران و زحمتکشان به چیز دیگری نمیتوان تعبیر کرد.» (همانجا)

اکنون که با جریان تصویب لوایح ضدکارگری آشنا شدیم، بجاست مامعیت و مضمون این لوایح را نیز از نظر بگذرانیم.

\*\*\*

«لایحه قانونی...» به جای تسریع در ایجاد تشکل‌های صنفی و منتخبین شورایی، که در آن موقع از نظر پایان‌دادن به هرج و مرج موجود در واحدهای تولیدی - خدماتی ضرور بود، و لیبرال‌های سرمایه‌دار و «چپ»‌های آمریکایی از هر قماش، از عدم تعیین تکلیف شوراها سوء استفاده می‌کردند، به ادامه وضع نابسامان و درگیری‌های بیشتر بین مدیریت، شورا، سندیکا و دخالت آنان در امور یکدیگر کهک کرد. این همان چیزی بود که لیبرال‌های ماسک‌زده طالب آن بودند.

عجیب‌تر از «لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان...»، «آئین‌نامه شورای اسلامی کارکنان» است، که در ۹ مرداد ۱۳۵۹ از تصویب شورای عالی کار گذرانده شده است. این آیین‌نامه، که براساس «لایحه قانونی» مصوبه شورای انقلاب تدوین شده، بیش از خود لایحه مرز تشکل‌های صنفی و نهاد قانونی شورا را مخدوش و محدودیت‌های بیشتری علیه تشکل‌های صنفی کارگران و زحمتکشان وضع نموده است. ضمناً به جاست یادآور شویم که، اصل آئین‌نامه هم زمان با «لایحه قانونی...» هنگام وزارت کار آقای نعمت‌زاده تهیه شده بود. شورای عالی کار، با ترکیب کارفرمایی و اختیارات غیرقانونی باقیمانده از زمان طاغوث، بلافاصله پس از رفتن نعمت‌زاده از وزارت کار، توانست نظریات لیبرال‌ها را، در آئین‌نامه شوراهای اسلامی کارکنان منعکس نماید.

در حالی که مصوبه شورای انقلاب، با وجود ماهیت ضد-سندیکائی خود، حداقل مسئله تشکیل سازمان‌های صنفی کارگران و زحمتکشان در واحدهای تولیدی - خدماتی را مسکوت می‌گذارد، آیین‌نامه شورای عالی کار یک قلم روی کلیه تشکل‌های دیگر، غیر از شوراهای کارگری، خط بطلان کشید. در ماده ۳۶ آیین‌نامه با تعجب فراوان می‌خوانیم: «در واحدهایی که شورا تشکیل می‌شود، جمعیت‌های صنفی دیگر رسمیت نخواهد داشت.» در اینجا چندین ایراد بر آیین‌نامه وارد است:

اول این‌که، علناً اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در مورد آزادی تشکل‌های صنفی نقض می‌کند. معلوم نیست شورای عالی کار چگونه به خود حق می‌دهد که به نقض قانون اساسی بپردازد؟

## ۲- «لایحه قانونی تشکیل شورای اسلامی کارکنان...» و آئین‌نامه‌های آن ناقض حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان است.

«لایحه قانونی تشکیل شورای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی - صنعتی - کشاورزی و خدماتی» در ۲۱ تیرماه ۱۳۵۹ از تصویب شورای انقلاب گذرانده شد. در این دوران، چنان که قبلاً هم اشاره کردیم، ریاست شورای انقلاب با بنی‌صدر بود، که در عین حال ریاست جمهوری را نیز به عهده داشت.

هدف «لایحه قانونی» ایجاد روشنی و صراحت در برخورد با تشکل‌های صنفی - شورایی و وظایف آنها و ایجاد شوراهای قانونی (نهاد شورایی) در واحدهای تولیدی - خدماتی نبود. هدف لایحه ایجاد سردرگمی در مسئله سازمان‌های صنفی و حقوق شورایی کارگران و زحمتکشان، تداخل وظایف انجمن‌های صنفی و نهاد قانونی شورایی بود. لایحه می‌خواست، تا با تجمع کارگر و کارفرما در یک سازمان به نام شورا، تشکل‌های صنفی را از مضمون طبقاتی تهی سازد، دخالت دولت و وزارت کار و امور اجتماعی را در تشکل‌های صنفی، زیر عنوان شورا، قانونی جلوه دهد و نظارت کارفرمایان دولت را بر تشکل‌های کارگری مستقر نماید.

مخالفت با تشکل‌های بزرگ کارگری در صنایع نفت، فولاد، مس و نظایر آن، تحت عنوان مشروط بودن تشکل‌های شورایی در این رشته‌ها و واحدها به اجازه هیئت وزیران، از شگردهای دیگر «لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان...» بود.

دوم اینکه، آیین‌نامه از «لایحه قانونی... مصوبه شورای انقلاب نیز، که در آن فعالیت جمعیت‌های صنفی دیگر در واحدهای تولیدی - خدماتی منع نشده، با را فراتر می‌گذارد و عدم رسمیت جمعیت‌های صنفی دیگر را اعلام می‌دارد.

سوم این که، استنباط شورایی‌عالی کار در آیین‌نامه از شورا، تشکل یا جمعیت صنفی است، حال آن‌که اصل ۱۰۴ قانون اساسی برای ایجاد نهاد قانونی به‌نام شورا نظر دارد که «حدود وظایف و اختیارات آن‌ها را قانون معین می‌کند». جالب این‌که با چنین استنباطی، شورایی‌عالی کار به‌خود اجازه داده است که بر خلاف اصل ۲۶ قانون اساسی، به منع فعالیت جمعیت‌های صنفی دیگر نظر بدهد. تخطی «آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان...» به حقوق کارگران و زحمتکشان به‌همین جا ختم نمی‌شود. آیین‌نامه در موارد متعدد، مانند «لایحه قانونی...» به حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان تخطی و تجاوز می‌نماید. یکی از موارد، که ضرور است به ویژه مورد توجه قرار گیرد، ماده ۲۵ آیین‌نامه است. در این ماده «بنا چنین آمده است:

«شوراهایی که قبل از انجام انتخابات بر اساس مفاد این آیین‌نامه، فعالیت داشته‌اند، رسمیت نداشته و پس از انجام انتخابات، شورای منتخب رسمیت خواهد یافت.»

اگر استنباط تدوین‌کنندگان آیین‌نامه از شورا تشکل صنفی است، در آن صورت چگونه آنان به‌خود اجازه می‌دهند که یک قلم روی تشکل‌های شورایی موجود، که کارگران و زحمتکشان آن را به وجود آورده‌اند، خط بکشند؟ این بارز تلقی ذهن کجی آشکار به اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، که صراحتاً اعلام می‌دارد: تشکیل جمعیت‌های صنفی آزاد است و «هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به‌شکرت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.»

مواد ۲۵ و ۲۶ نمان می‌دهد که، با آن که تلقی تدوین‌کنندگان آیین‌نامه از شورا، تشکل صنفی است، معذالک آن‌ها به‌خود اختیار می‌دهند که در انتخابات این تشکل صنفی دخالت کنند، زیرا ایرادشان به‌خود شورا نیست، بلکه به‌اینست که انتخابات آن زیر نظر آن‌ها صورت نگرفته است! صریح‌تر از این نمی‌توان حقوق تشکل‌های

استنباط  
تاریخ  
ایستادگی  
مبارزه

صنفی رانقض نمود، زیرا چنان که می‌دانیم، انجام انتخابات و انتخاب ارگان‌های رهبری، کار داخلی تشکل‌های صنفی است و هیچ ارگانی حق دخالت در آن را ندارد.

لیکن تنها به‌طور ضمنی و سرپیسته نیست که «لایحه قانونی...» و «آیین‌نامه...» دخالت در شوراها، به‌عنوان تشکل‌های صنفی، را «حق» وزارت کار و امور اجتماعی می‌دانند. هم «لایحه قانونی...» و هم «آیین‌نامه...» به صراحت تمام وزارت کار و امور اجتماعی و «اهورین» آنرا مجاز می‌دانند، تا سرحد نوشتن اساسنامه و نظارت بر صندوق انتخابات و تعیین صلاحیت نامزدهای انتخاباتی و امور دیگر، در تشکل‌های شورایی دخالت کنند، یعنی اجرای همان مقرراتی که در آیین‌نامه کار دوران طاغوت کنجانیده شده است.

قانون اساسی در اصل ۱۰۴، ضمن تکیه بر ایجاد نهاد قانونی شورایی از طریق «نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران»، به‌دولت اختیار می‌دهد که تنها درباره «چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها» بر وضع قانون بپردازد. چنان که می‌بینیم، در این‌جا به‌مراجعه دولتی به‌هیچ‌وجه حق دخالت در انتخابات نمایندگان کارگران و دهقانان و حتی نظارت بر انجام چنین انتخاباتی، داده نشده است. این امریست منحصرأ در صلاحیت انجمن‌های صنفی، که طبق اصل ۲۶ قانون اساسی، هیچ مرجعی حق دخالت در آن‌ها را ندارد.

با وجود چنین صراحتی، ابتدا «لایحه قانونی...» اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی را نقض می‌کند. لایحه، ضمن تبصره ماده ۷ «نحوه برگزاری و نظارت بر اجرای صحیح انتخابات» رابه‌وزارت کار و امور اجتماعی واگذار می‌کند. آیین‌نامه تصویبی شورایی‌عالی کار، پا را از این فراتر می‌گذارد. آیین‌نامه به وزارت کار و امور اجتماعی حق می‌دهد که در تمام مراحل تشکیل شورای اسلامی کارکنان، از نوشتن اساسنامه گرفته تا دعوت هیئت موسس، تشکیل مجمع کارکنان، انتخاب هیئت نظارت بر انتخابات، تشخیص صلاحیت نامزدهای انتخاباتی و حتی امضاء صورتجلسه کمیته نظارت بر انتخابات را حق «قانونی» خود بداند.

این عمل خلاف وزارت کار و مغایرت آن با اصول قانون اساسی وقتی روشن‌تر می‌شود که بدانیم، تازه همه این دخالت‌ها مربوط به

کاملات

صنفی

در این قانون  
تاریخ  
ایستادگی  
مبارزه

تاریخ  
ایستادگی  
مبارزه

مرحله‌ای نیست که شورای منتخب اسلامی کارکنان، باید طبق ماده ۲۲ آیین نامه، به انتخاب نماینده شورا در مدیریت بپردازد، مرحله‌ای که شاید بتوان گفت منظور اصل ۱۰۴ از آن حاصل می‌شود. تا این مرحله، هرآنچه تحت عنوان شورای اسلامی کارکنان، تشکیل می‌شود، عملاً تشکلی صنفی است، با طی تمام مراحل لازم برای ایجاد آن، که طبق اصل ۲۶ قانون اساسی، وزارت کار به هیچ عنوان حق دخالت در آن را ندارد و شورای عالی کار، که نمایندگان کارفرما نیز در آن شرکت دارند، به‌ویژه نمی‌تواند با نوشتن آیین‌نامه برای آن تعیین تکلیف کند.

گمان می‌رود که تنظیم‌کنندگان آیین‌نامه باین واقعیت‌ها آشنا بوده‌اند. به‌همین جهت آن‌ها برای قانونی‌کردن دخالت خود، نام شورا را وسیله قرار داده و زیر پوشش آن به دخالت علنی و غیر-قانونی خود در تشکلهای صنفی - طبقاتی کارگری پرداخته‌اند.

هدف تنظیم‌کنندگان آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان نه تحقق اصل ۱۰۴ قانون اساسی، که ایجاد سازمان‌های صنفی دولتی یا شبه‌دولتی بوده است. اما از آنجا که در شرایط جامعه انقلابی ایران و آگاهی کارگران و زحمتکشان چنین تلاشی مردود شناخته می‌شود، به‌همین جهت نیل به هدف مزبور در پوشش شورایی گنجانیده شده، تا با سوءاستفاده از اعتماد کارگران و زحمتکشان به‌پدیده جدید شوراهای حقوق صنفی آنان، بدون برخورد با مقاومت، زیر پا گذاشته شود.

تنظیم‌کنندگان آیین‌نامه، در تعقیب مصوبه بنی‌صدری شورای انقلاب، خواسته‌اند با یک تیر دو نشان بزنند: اولاً، جنبش عظیم صنفی طبقه کارگر را زیر کنترل و دخالت دولت قرار دهند. ثانیاً، حق شورایی کارگران و زحمتکشان را، که به‌صورت خطر جدی برای ابقاء بزرگ سرمایه‌داری درآمده، به‌همار بکشند و آن را در حد انتخاب دو ناظر و یا نماینده‌ای در هیئت مدیره، که از حق رای نیز برخوردار نیست، (ماده ۲۴ آیین‌نامه) و نظرشان هیچ ضمانت اجرایی ندارد، محدود سازند. ضمناً از آنجا که نسبت به‌حضور نمایندگان واقعی کارگران در شوراهای قانونی نگران بوده‌اند، با گذراندن آیین تبصره که: «کسانی که قبل از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ عضو هیئت‌مدیره سندیکا و یا نماینده کارگران بوده‌اند، تا مدت دو سال از تاریخ

تصویب این آیین‌نامه، نمی‌توانند به‌عضویت شورا انتخاب شوند» (تبصره ماده ۲۷)، این‌گونه کارگران پیش‌کسوتان جنبش سندیکایی را، که بنابه‌سوابق مبارزاتی خود مورد اعتماد زحمتکشان هستند، از حق قانونی خود محروم ساخته‌اند.

کارگران با طرد پادوهای رژیم پهلوی از تشکلهای کارگری نه‌تنها مخالف نیستند، بلکه خود، چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب، این کار را انجام داده‌اند و می‌دهند. به‌همین جهت ماده ۲۸ آیین‌نامه که می‌گوید: «کسانی که به‌نحوی با ساواک منحل یا حزب منحل رستخیز همکاری مؤثر داشته‌اند، حق عضویت در شورا را ندارند و چنانچه خود را دارطلب نمایند، قابل تعقیب در مراجع قانونی خواهند بود»، کاملاً مورد قبول کارگران است. طبیعی است که باوجود این ماده، گنجائیدن تبصره‌ای که در فوق به آن اشاره شد، نه‌نقط زائد است، بلکه به‌درستی منشاء این بدگمانی می‌شود که، تنظیم‌کنندگان آیین‌نامه به‌طرد کارگران مبارز و باسابقه از تشکلهای کارگری نظر داشته‌اند.

\*\*\*

گریزان می‌شوند و نسبت به دولت و هرسازمان دیگری که قصد دخالت در تشکل صنفی آن‌ها را داشته باشد، بدبین می‌گردند. نتیجه این که، دولت‌ها و حتی حاکمیت‌های انقلابی، با دخالت در امور تشکل‌های صنفی، خود را از حمایت داوطلبانه این تشکل‌ها محروم می‌سازند.

بدین‌سان حسن نیت مسئولین وزارت کار، که خواسته‌اند با استقرار نظارت و کنترل دولتی بر سازمان‌های صنفی کارگران، به انقلاب خدمت کنند، به‌کاری بسیار زیان‌بخش علیه انقلاب بدل می‌شود. این تازه در صورتی است که، چنان که گفتیم، تمایل به دواتی‌کردن سازمان‌های صنفی کارگران و زحمتکشان از روی عدم آگاهی و غیرعمدی باشد. در صورت عکس، بحث در این مورد زائد است.

مسئولین وزارت کار، اگر واقعاً به‌حفظ انقلاب و تحکیم مواضع آن و جاب واقعی توده‌های میلیونی کارگران و زحمتکشان به‌حمایت مستور و مداوم از انقلاب و حاکمیت انقلابی می‌اندیشند، بهترین و مطمئن‌ترین وثیقه نیل به این اهداف، احترام به استقلال و آزادی تشکل‌های صنفی و رعایت حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان است. احترام به استقلال تشکل‌های صنفی و تأمین آزادی فعالیت آن‌ها، در چارچوبی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر داشته، موجب شکوفایی و جوشان شدن ابتکار توده‌های میلیونی کارگران در منسجم ساختن صفوف خود می‌گردد. در این صورت می‌یون‌ها کارگر و زحمتکشی که هم‌اکنون جانانه از انقلاب دفاع می‌کنند، با تکیه به تشکل‌های اصیل صنفی خود، مسلماً مطمئن‌تر و بهتر از انقلاب پاسداری خواهند نمود.

کسانی که با دست‌آویز قرار دادن مصوبه کذایی بنی‌صدری در شورای انقلاب و تدوین آیین‌نامه‌های شورایی، به‌تانونی کردن دخالت دولت در ایجاد و اداره تشکل‌های صنفی اقدام کرده‌اند وزیر یوشش دفاع از انقلاب، به‌انجام این‌کار پرداخته‌اند، اقدام مبتکرانه‌ای انجام نداده‌اند. قبل از این‌ها و در جریان انقلاب در کشورهای دیگر نیز چنین تلاش‌های مذبوحانه‌ای دیده شده. هدف این تلاش‌های مذبوحانه عوارض ضربه‌زدن به انقلاب و رودررو قرار دادن کارگران

## ۵- دولتی‌کردن تشکل‌های صنفی و دخالت دولت در امور تشکل‌های صنفی به زیان انقلاب و منافع کارگران است.

ما فرض را بر آن می‌گیریم که مسئولین وزارت کار، و همچنین شورایی‌عالی کار، که از ۹ نفر اعضاء آن، سه‌نفر نماینده کارفرما هستند، با تدوین آیین‌نامه‌ای که نتیجه اجرای آن، دولتی‌کردن تشکل‌های صنفی کارگری است، حسن نیت داشته و خواسته‌اند از این راه به انقلاب خدمت کنند. ببینیم چنین کاری، یعنی دولتی‌کردن و یادقیق‌تر گفته شود، زیر نظارت دولت درآوردن تشکل‌های صنفی، تحت عنوان شورا و یا هرنام دیگری، به‌سود انقلاب است؟ پاسخ سؤال محققاً و مسلماً منفی است. این کار تماماً به‌زیان انقلاب تمام می‌شود و تجربه‌های مکرر تاریخی نیز دلیل روشن ادعای ماست. در ابتدا گفتیم که مهم‌ترین مشخصه تشکل‌های صنفی کارگران و زحمتکشان استقلال، داوطلبانه بودن و ایجاد آن‌ها از پایین، با ابتکار خود زحمتکشان است. قدرت و نیروی تشکل‌های صنفی در اینست که سازمان‌های توده‌ای، غیر وابسته به دولت و احزاب سیاسی هستند و رهبری آن‌ها، بدون هر نوع دخالتی از جانب ارگان‌های دولتی و غیر دولتی و فقط با اتکاء برای اعتماد خود زحمتکشان انتخاب می‌شوند و فقط در برابر آن‌ها مسئول و پاسخگو هستند. شما این خواص را از سازمان‌های صنفی بگیرید، در آن صورت آن‌ها را محکوم به‌نابودی می‌سازید.

همین که کارگران و زحمتکشان احساس کنند که آن‌ها در ایجاد و اداره تشکل‌های صنفی خود آزاد نیستند، از این تشکل‌ها روگردان و

وحاکمیت انقلابی بوده است.

پس از انقلاب اکتبر تروتسکیست‌ها مدعی بودند که دوران آزادی فعالیت اتحادیه‌های کارگری به سر آمده و ازین پس تشکل‌های صنفی باید دولتی شوند و به‌مثابه سازمان‌های دولتی اداره شوند. متقابلاً مخالفت کارگری، ادعا داشت که کلیه ارگان‌های مدیریت اقتصادی را باید اتحادیه‌ها انتخاب کنند و در برابر آنان پاسخگو باشند. جریان سالم هر دو نظر نادرست تروتسکیستی و آنارشی - سندیکالیستی را رد کرد و از آزادی و استقلال تشکل‌های صنفی کارگری مجدداً دفاع نمود.

امروز در اتحاد شوروی، با آن‌که دولت کارگری است، با این همه اتحادیه‌های کارگری کاملاً آزاد و مستقل هستند و ارگان‌های دولتی کمترین دخالتی در نحوه ایجاد و اداره تشکل‌های صنفی کارگران و زحمتکشان ندارند. رعایت همین جوانب امر است که دولت اتحاد شوروی را به‌حمایت و پشتیبانی مستمر و مداوم بیش از ۱۲۵ میلیون کارگر و زحمتکش متشکل در سازمان‌های صنفی در آن کشور، مستظهر ساخته است.

استقلال و آزادی تشکل‌های صنفی کارگران و زحمتکشان، نه تنها در کشورهای سوسیالیستی، بلکه همچنین در همه کشورهای انقلابی و نواستقلال و حتی در بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری - بر اثر مبارزه کارگران - نیز رعایت می‌گردد و محترم شمرده می‌شود. اعلامیه جهانی حقوق اتحادیه‌ها، مصوبه نهمین کنفرانس فدراسیون جهانی، با بیش از ۲۴۰ میلیون عضو در سراسر جهان، مبنی بر آزادی و استقلال تشکل‌های صنفی و عدم دخالت دولت‌ها در امور سندیکا‌های کارگران و زحمتکشان است. این سند جهانی نیز ضرورت احتراز از دخالت در تشکل‌های صنفی را خاطر نشان می‌سازد.

تجربه جهانی جنبش سندیکایی نشان می‌دهد که آن رژیم‌هایی از حمایت توده‌های ده‌ها و صدها میاییونی کارگران و زحمتکشان برخوردارند، که از جمله به حقوق دموکراتیک آنان در زمینه تشکل‌های آزاد و مستقل صنفی، احترام می‌گذارند. دولت‌های فاشیستی و وابسته، که به حقوق صنفی کارگران و زحمتکشان بی‌اعتنا هستند

و این حقوق را نقض کرده و می‌کنند - مانعند رژیم پهلوی - منفورترین رژیم‌ها از نظر کارگران و زحمتکشان هستند و در نهایت امر با مبارزه آنان به‌مزیدان تاریخ فرستاده شده‌اند. این تجارب و واقعیت‌ها باید دقیقاً مورد توجه مسئولینی قرار گیرد که در کشور انقلابی ما، حل و فصل مسائل کارگری به آن‌ها سپرده شده است.

\*\*\*

## ۶- اهمیت اساسنامه شورای اسلامی کارکنان... چیست؟

درباره مغایرت «آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی، صنعتی کشاورزی و خدماتی» با حقوق صنفی و شورایی کارگران و زحمتکشان، مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و نتایج عملی مترتب بر اجرای این آیین‌نامه به‌زیان انقلاب و کارگران و زحمتکشان، مطالب بازهم بیشتری می‌توان نوشت. لیکن تصور می‌کنیم، آنچه گفته شد، فعلاً برای اثبات این واقعیت کافی باشد که، همانند مصوبه بنی‌صدری شورای انقلاب، «آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان...» نیز، هم با منافع کلی انقلاب و اصول مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و هم با نیازهای جنبش صنفی - شورایی کارگران و زحمتکشان ایران، که نیرومندترین جنبش مدافع انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران است، مغایرت کامل دارد. لذا پافشاری در اجرای مصوبه و آیین‌نامه آن، به‌زیان هر دری آن‌هاست.

به‌نظر ما، این مسائل برمسئولین وزارت‌کار و امور اجتماعی پوشیده ندرده است. باین وجود و با این که اجرای آیین‌نامه در واحدهای بزرگ تولیدی - خدماتی با مشکلات فراوان روبروست، معذالک مسئولین وزارت کار، نه‌فقط در ادامه تحمیل شوراها از بالا به‌کارگران کارخانجات اصرار دارند بلکه از مدتی به‌این‌طرف درصدد تحمیل شورا به‌کارگران و زحمتکشان صنوف نیز برآمده‌اند. این دیگر معارضه‌ایست آشکار با سازمان‌های صنفی زحمتکشان صنوف، که از سال‌ها به‌این طرف تحت عنوان «سندیکا» شناخته شده‌اند،

و درمیان کارگران از اعتبار و نفوذ کافی برخوردار هستند. قبل از پرداختن به‌این مطلب، مقدمتاً ضرور است به‌مطلب دیگری در همین زمینه اشاره کنیم. مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی، که طبق «لایحه قانونی...» کذایی دست خود را در دخل و تصرف در تشکلهای صنفی کارگران و زحمتکشان تحت عنوان شورابازیاخته‌اند، تنها به‌تدوین «آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی - صنعتی - کشاورزی و خدماتی» اکتفا نکرده‌اند، بلکه آن‌ها همچنین به‌تدوین اساسنامه‌های تشکلهای کارگری، نظیر «اساسنامه شورای اسلامی کارکنان»، که در کارخانه‌ها و کارگاه‌های بزرگ به‌اجرا گذاشته می‌شود، و «آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان صنوف»، که در واحدهای صنفی به‌اجرا گذاشته خواهد شد، مبادرت ورزیده‌اند.

«اساسنامه شورای اسلامی کارکنان» در ۱۳ فصل و ۲۸ ماده و ۲۵ تبصره ، و «آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان صنوف» در ۲۷ ماده و ۱۵ تبصره تدوین شده است. آیین‌نامه در جلسه ۱۷/۴/۶۰ شورایعالی کار، با حضور دوفقر نمایندگان دولت، سه‌نفر نمایندگان کارفرما و سه‌نفر نمایندگان کارگران، به‌تصویب رسیده است.

«اساسنامه شورای اسلامی کارکنان» به‌جای آنکه ناظر بر اجرای اصل ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد و چگونگی تشکیل «شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و دبیران» و «حدود وظایف و اختیارات» قانونی آن‌ها را معین کند، در اصل اساسنامه یک تشکل صنفی است، به‌انضمام دخالت‌های «قانونی» که وزارت کار خود را در آن ذیصلاح دانسته است. غیر از این نیز نمی‌توانست باشد. وقتی وزارت کار و امور اجتماعی به‌جای توجه به‌اجرای دقیق اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌استناد مصوبه بنی‌صدری شورای انقلاب، خود را قیّم تشکلهای صنفی کارگران و زحمتکشان دانسته، و استقرار نظارت و کنترل دولتی بر جنبش صنفی کارگران و ایجاد سازمان‌های صنفی دولتی و نیمه دولتی تحت عنوان شورا راه‌دفع قرار داده است، جز این که دخالت خود را حتی تا نوشتن اساسنامه برای سازمان‌های صنفی کارگران و زحمتکشان گسترش دهد، وظیفه دیگری نمی‌تواند برای خود قائل باشد.

مسئولین وزارت کار و شورایعالی کار در تدوین اساسنامه‌ها،

متأسفانه عملاً طبق مصوبه بنی‌صدری شورای انقلاب، با هدف‌های یاد شده، عمل کرده‌اند، ولی از آنجا که ظاهراً توجه داشته‌اند که تحمیل آن نظرات به کارگران و زحمتکشان به‌سادگی امکان‌پذیر نیست، در تنظیم اساسنامه‌ها، تا آنجا که توانسته‌اند، به‌دفاع ظاهری از منافع کارگران سخن گفته‌اند. به‌همین جهت «اساسنامه شورای اسلامی کارکنان...» به‌ظاهر هیچ دست کمی از اساسنامه سازمان صنفی ندارد.

تنظیم‌کنندگان اساسنامه خواسته‌اند القاء شبهه کنند که شورا همان سازمان صنفی است، زیرا اساسنامه به «شورای اسلامی کارکنان» حق می‌دهد که به‌مسائل استخدام، مرخصی، غیبت، بیماری، ساعات کار، دستمزد و مزایا، اضافه‌کار، اخراج، انضباط کار، ترفیحات، پاداش سالانه، بیمه و خدمات درمانی، بازنشستگی، مسکن، شرکت‌های تعاونی، صندوق تعاون قرض‌الحسنه، وام بیکاری، غذا، رستوران، لباس کار، مهدکودک، سرویس ایاب و ذهاب، امور ورزش و حتی مشارکت در انعقاد بیمه‌های دسته‌جمعی کار و نظایر آن (رجوع شود به بندهای ۶ و ۷ و ۸ و ۹ اساسنامه شورای اسلامی کارکنان)، که همه از وظایف سازمان صنفی است، می‌پردازد. اما در همین اساسنامه گفته نشده است که شورایی که مرکب از کلیه کارکنان از کارگر ساده تا مدیریت است، (ماده ۱) و «مجمع کارکنان آن با حضور و نظارت نماینده واحد کار و امور اجتماعی برگزار می‌شود» (ماده ۱۰) و از کارگر تا مدیر برای انتخاب در شورا ذیحق هستند (ماده ۱۴) و در صورت بروز اختلاف در «انتخاب یا تجدید انتخاب دبیر، مسئول هماهنگی و مسئولین کمیته‌ها»، رای «هیئت نظارت پراهور شوراهای» که نماینده کارفرما نیز در آن حضور دارد، «و واحد کار و امور اجتماعی» قطعی و لازم‌الاجراست، (ماده ۱۹) چگونه می‌تواند به‌خواست‌های کارگران در این زمینه‌ها تحقق بخشد؟ (همه جا تکیه از ماست).

در اساسنامه گفته نشده است که شورایی که هیچ ضمانت اجرایی برای تصمیمات خود و قبول نظریاتش از طرف کارفرما و مدیر ندارد، چگونه می‌تواند خراست‌های صنفی یادشده را برآورد؟ علاوه براین، تحت این عنوان که «نحوه نظارت شورا در امور واحد نباید به‌نحوی باشد که مانع گردش طبیعی کار گردد» (تبصره ۱

ماده ۲۳)، و تحت عناوین «تخلف از مقررات اساسنامه و مقررات اساسنامه و مقررات مربوطه، استتکاف از اجرای آراء هیئت حل اختلاف و شورایی‌عالی کار، اخلاف در جریان و گردش طبیعی کار واحد و اخلاف در انعقاد و اجرای پیمان‌های کار» و همه موارد دیگری که در قسمت ۱۲ اساسنامه و مواد ۲۷ و ۲۸ پیش‌بینی شده، شورایی که باید به‌مثابه سازمان صنفی عمل کند، به‌انحلال تهدید شده است. (همه‌جا تکیه از ماست)

به‌جهت یاد شده، و همچنین به دلیل این که وظایفی که برای دبیر شورا در ماده ۲۵ ذکر شده (انجام مکاتبات و ابلاغ توصیه‌ها و حفظ و نگهداری اسناد و تهیه و تنظیم صورت‌جلسات و تهیه و جمع‌آوری مدارک و حفظ اوزام و اثاثیه و محل شورا و نظایر آن) همه وظایف دفتری - اداری است، نه وظیفه دفاع از منافع اعضاء شورا، «شورای انتخابی» فرسنگ‌ها با تشکل و سازمان صنفی فاصله دارد. بدینسان، «شورای اسلامی کارکنان»، طبق ضوابط اساسنامه‌ای که وزارت کار و امور اجتماعی برای آن در نظر گرفته، به‌هیچ‌وجه سازمان صنفی منطبق بر موازین اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود. اما آیا این شورا، شورای موضوع اصل ۱۰۴ قانون اساسی خواهد بود؟ متأسفانه پاسخ این سؤال نیز منفی است، زیرا این شورا اولاً «شورایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران»، به‌عنوان نهاد قانونی، نیست، و ثانیاً برای «ناهین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد همکاری در پیشرفت امور واحد»، فاقد قدرت اجرایی است. نه فقط «آیین‌نامه»، که «اساسنامه شورای اسلامی کارکنان» نیز در این زمینه‌ها نقش شورا را تا مقام پادو و بزرگ‌مدیریت پایین می‌آورد. در کلیه مواد اساسنامه، ضرورت همکاری شورا با مدیریت به دفعات و کرات خاطر نشان شده است، ولی حتی یک مورد را نمی‌توان یافت که مدیریت به‌رعایت نظرات شورا موظف شده باشد.

«اساسنامه شورای اسلامی کارکنان» نه‌تنها از آن جهت که برواقمیت موجود در واحدهای بزرگ تولیدی - خدماتی (شاسایی تشکل‌های صنفی) منطبق نیست، بلکه همچنین از آن جهت که حقوق



شورایی کارکنان را مفلوط و مخدوش می‌سازد، قابل قبول نیست. اساسنامه کمرامی بیشتری را در حل مسائل مدیریت، شورا و سندیکا در فعال‌ترین بخش اقتصاد صنعتی - خدماتی کشور ایجاد می‌کند. اجرای اساسنامه، همان‌طور که در مورد «لایحه قانونی» و «آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان، خاطرنشان ساختیم، جز سردرگمی بیشتر در روابط تولیدی در واحدهای بزرگ تولیدی - خدماتی و اختلال ناشی از آن، نتیجه دیگری نداشته و نخواهد داشت.

\*\*\*

## ۷- «آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان صنوف» چه مسئله‌ای است؟

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، وزارت کار و امور اجتماعی تنها به اجرای «لایحه قانونی» و «آیین‌نامه» و اساسنامه‌های ناشی از آن در واحدهای تولیدی - خدماتی بزرگ اکتفا ننموده است. مسئولین تحت عنوان تدوین «آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان صنوف» در صدد برآمده‌اند که تجربه «شوراهای» را بر کارگران صنوف (جایی که یک یا چند کارگر در کارگاه‌های کوچک پیشه‌وری به‌کار اشتغال دارند) نیز تعمیم دهند. باید به‌وضوح گفت که پیاده‌کردن «شوراهای» در صنوف به‌معنای محروم داشتن قشر وسیعی از زحمتکشان از تشکل صنفی است.

ما قبلاً خاطرنشان ساختیم که عنوان‌کردن «شوراهای اسلامی کارکنان» عملاً به‌معنی نفی ضرورت تشکل‌های آزاد صنفی در واحدهای بزرگ تولیدی - خدماتی، و در نتیجه به زیان انقلاب و به‌سود بزرگ سرمایه‌داری است. در مورد روش وزارت کار و امور اجتماعی در تحمیل «شوراهای» به‌جای سازمان صنفی به‌کارگران صنوف نیز باید خاطرنشان سازیم که، این امر عملاً به‌زیان میلیون‌ها کارگر و زحمتکشی است که، تا همین امروز هم در بدترین شرایط کار و زندگی به‌سر می‌یوند. این کارگران، نه‌فقط در گذشته، بلکه در حال حاضر نیز از شمول مقررات قانون کار، که ده‌ها سال از تصویب آن می‌گذرد، محروم باقی مانده‌اند.

قبل از هرچیز باید خاطرنشان سازیم که در دوران انقلاب و

ظی سه سال پس از پیروزی آن، سیچکس نامد پیدایش «شوراهای درمیان کارگران صنوف» بوده است. دلیل این امر نیز واضح است. تولیدات خرده‌پیشه‌وری، با وجود هزاران کارفرمای خرده‌پای خصوصی و پراکندگی آنان و سطح نازل تولید اجتماعی، مسئله‌ای به‌نام «همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هم‌آهنگی در پیشرفت امور» را مطرح نمی‌سازد، که پیدایش شورا، به آن معنی که در اصل ۱۰۴ قانون اساسی آمده، در این‌جا ضرورت داشته باشد. کارفرمای پیشه‌ور، بدون شور و مشورت، وضع تولید و کار خود را سر و سامان می‌دهد. او مانند مدیر کارخانه نیست که به دلیل اجتماعی بودن امر تولید به‌معنای واقعی کلمه، ضرورتاً باید کارش متکی به شور و مشورت باشد، و اگر غیر از این باشد، به‌منافع جامعه زیان می‌رسد.

اما در همین کارگاه‌های پیشه‌وری کوچک ما میلیون‌ها کارگر و زحمتکش داریم، که گرفتار شدیدترین نوع استثمار به‌معنای قرون وسطایی آن هستند. قسمت اعظم صدها هزار کودک زیرسین کار در کشور ما در همین کارگاه‌های کوچک پیشه‌وری استثمار می‌شوند. شرایط و محیط کار در کارگاه‌های کوچک و به‌معنای واقعی کلمه غیربهداشتی و جان‌فروست است. از شمول قانون کار و بیمه و مرخصی عفتگی و تعطیل سالانه در این کارگاه‌ها، که ساعات کار روزانه آن‌ها با طلوع و غروب آفتاب اندازه‌گیری می‌شود و دستمزدها در سطحی چندبرابر نازل‌تر از حداقل دستمزد قرار دارد، کوچکترین خبری نیست.

مجموعه این وضع نه‌امروز، که از سالها به‌این طرف، ضرورت مبارزه صنفی کارگران صنوف و تشکل آن‌ها را در سازمان‌های صنفی به‌وجود آورده است. پیدایش سندیکاها در میان کارگران صنوف از ده‌ها سال به‌این طرف، و تعلق خاطر کارگران سازمان‌های صنفی خود، از همین ضرورت ناشی شده و می‌شود.

رژیم طاغوتی شاه، در حالی که به‌ظاهر خود را پای‌بند اجرای قوانین کار و انمود می‌ساخت، در عمل وحشی‌ترین خصم تشکل‌های صنفی کارگران و زحمتکشان بود. به‌همین جهت از میان میلیون‌ها کارگر و زحمتکش، منجمه و به‌ویژه در صنوف، تعداد تالیلی از کارگران بودند که به‌ایجاد سازمان‌های صنفی و از طریق مبارزه آن‌ها

به‌بهبود نسبی شرایط کار و زندگی خود موفق شدند. اکنون در سایه انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی، که کارگران خود در پیروزی آن نقش قاطعی به‌عهده داشته‌اند، کارگران و زحمتکشان می‌خواهند با ایجاد سازمان‌های صنفی آزاد و مستقل خود، منجمه و به‌ویژه در صنوف، هرچه زودتر وضع کار و زندگی خود را بهبود بخشند و از حقوقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای آن‌ها به رسمیت شناخته، برخوردار گردند.

وظیفه‌ای که انقلاب در برابر حاکمیت انقلابی، منجمه وزارت کار و امور اجتماعی، قرار داده، اینست که، تشکل صنفی کارگران و زحمتکشان را تسهیل نماید. تنها بدین وسیله می‌توان به کارگران کمک کرد، تا هرچه زودتر از زیر ظلم و استثمار قرون وسطایی حاکم بر کارگاه‌های قالی‌بافی، کوره‌پزخانه‌ها، نانوایی‌ها، کفش‌دوزی‌ها و غیره آشکارا مشامده می‌شود، رهایی یابند.

با تاسف فراوان باید خاطرنشان ساخت که، مسئولین وزارت کار به‌جای اندیشیدن به‌این مسائل (همان‌طور که در نامه گروهی از سندیکا‌های کارگران تهران و حومه به‌وزارت کار گفته می‌شود) با امتناع از شناسایی سندیکا و اصرار بر ایجاد شورا در صنوف، خواسته یا ناخواسته، «به‌ایجاد سردرگمی بین کارگران صنوف و تشدید اختلاف و دو دستگی در میان» کارگران و زحمتکشان دامن می‌زنند. (مراجعه شود به‌جزوه شماره ۵ پیام همبستگی، شهریور و مهر ۱۳۶۰، صفحه ۲۱).

مطالعه «آیین‌نامه شورای اسلامی صنوف» مصوبه شورای عالی کار نشان می‌دهد که، همان‌طور که آیین‌نامه و اساسنامه «شوراهای اسلامی کارکنان» بر وضع واحدهای تولیدی - خدماتی انطباق ندارد، همان‌طور هم آیین‌نامه صنوف پاسخ‌گوی خواست میلیون‌ها کارگر و زحمتکش شاغل در کارگاه‌های کوچک پیشه‌وری نیست. «آیین‌نامه شورای اسلامی صنوف» مبتنی بر وعظه سازش و میدان دادن به نظارت کارفرمایی و محروم داشتن کارگران صنوف از حق تشکل آزاد و مستقل صنفی در عرصه‌ای از تولید اجتماعی در جامعه ماست، که در آنجا مستضعفترین قشر طبقه کارگر ایران، زیر شدیدترین و بی‌رحمانه‌ترین استثمار آشکار و مخفی قرار دارد، و به‌معنای کامل

کلمه محتاج نجات از این وضع است.

آیین‌نامه نه فقط تسهیلی در تشکل کارگران صنوف و بالمآل بالابردن قدرت مبارزه آن‌ها به وجود نمی‌آورد، بلکه تحت عنوان تشکل سورا، تشکل صنفی کارگران صنوف را از مضمون طبقاتی تهی می‌سازد، ابتکار در تشکل از پایین به وسیله خود کارگران را با دخالت واحد کار و امور اجتماعی و هیئت‌های نظارتی، که کارفرمایان در آن‌ها شرکت دارند، عوض می‌کند و حتی به ایجاد تفرقه و دودستگی در تشکل‌های صنفی میدان می‌دهد. ایجاد بیش از یک شورای اسلامی در یک صنف (تبصره ۱ ماده ۳ آیین‌نامه) مگر عملاً دامن زدن به اختلاف در بین کارگران صنف و متفرق ساختن آن‌ها به نفع کارفرمایان نیست؟

در ماده ۲۲ آیین‌نامه گفته می‌شود:

«شورا در تهیه و تنظیم مقررات داخلی واحدهای صنف مربوط از قبیل آیین‌نامه‌های انضباطی یا هدیریت‌های صنف یا سازمان آنان (تکیه از ماست) تبادل نظر نموده ... با مدیریت‌ها تشریک مساعی می‌نماید. بدیهی است اجرای مقررات و آیین‌نامه‌ها به عهده هدیریت صنفی است.» (تکیه از ماست)

در تبصره ماده ۲۳ به شورا توصیه می‌شود که جلسات شورا را با دعوت از هدیریت واحد صنفی مربوط یا نماینده وی تشکیل دهند. آیا این مواد و تبصره‌ها به وضوح نشان نمی‌دهد که شوراهای صنوف تابعی از تمایلات مدیریت‌های صنف، یعنی کارفرمایان خواهد بود؟

در مواد ۴، ۷، ۹، ۱۰، ۱۷، ۲۵، از تنظیم اساسنامه گرفته تا بررسی شرایط داوطلبان نمایندگی، برگزاری انتخابات، ارسال ماهانه صورت‌جلسات، ثبت شورا در دفتر، خلاصه کلیه فعالیت شورا زیر نظارت و دستور واحد کار و امور اجتماعی صورت می‌گیرد. در تبصره ۲ ماده ۱۲، نه فقط تصمیم وزارت کار و امور اجتماعی، بلکه تصمیم هیئت نظارت، که کارفرما نیز در آن شرکت دارد، ظرف ضرب‌الاجل پنج‌روزه برای شورا قطعی و لازم‌الاجرا اعلام شده است. مگر همه این مراتب حاکی از دخالت علنی کارفرما و وزارت کار در

امور شوراهای صنفی نیست؟

دیگر مواد آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان صنوف، نیز حاوی قید و بندهایی است که «آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان» در واحدهای تولیدی - خدماتی در نظر گرفته شده، نظیر این که «کسانی که قبل از ۲۲ بهمن عضو هیئت مدیره سندیکا و پانمانده کارگران بوده‌اند، نمی‌توانند به عضویت شورا انتخاب شوند» (تبصره ماده ۱۹). یا این که «در صنوفی که شورا تشکیل می‌شود جمعیت‌های صنفی دیگر رسمیت نخواهد داشت.» (ماده ۲۸).

جالب این که، برای انتخاب نمایندگان مدیران واحدها (کارفرمایان صنوف) در هیئت‌های نظارت بر امور شوراهای و اصولاً در سازمان‌های صنفی کارفرمایان چنین قیود و شروطی ذکر نشده است. وزارت کار و امور اجتماعی، که نسبت به نظارت و کنترل بر سازمان‌های صنفی کارگران و زحمتکشان این قدر حساس است، رعایت استقلال سازمان‌های صنفی کارفرمایی و عدم دخالت در امور آنان را لازم شمرده است. (مراجعه شود به مواد ۳۴ و ۳۵ «آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان صنوف»). علاوه بر این، تحت عنوان «کارکنان»، به حضور کارفرمایان صنفی در مجامع زحمتکشان صنف نیز «بیدان داده شده است.» (به مواد ۳۰، ۳۱ و ۵ «آیین‌نامه مراجعه شود»).

به طوری که از ماده ۲۸ استنباط می‌شود:

«در صنوفی که شورا تشکیل می‌شود، جمعیت‌های صنفی دیگر (تکیه از ماست) رسمیت نخواهد داشت.»

بدین‌سان، تلقی مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی از شورا همان سازمان صنفی است. این که «شورا» را به همین نام نام‌گذاری نکرده‌اند، دلیل آن، همان‌طور که در مورد شوراهای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی - خدماتی گفتیم، روشن است. اگر «شورا» تشکل صنفی تلقی می‌شد، آن وقت غیرقانونی بودن دخالت‌های وزارت کار و امور اجتماعی در کارهای آن مطرح می‌شد. به علاوه، این مطلب مطرح می‌شد که به چه دلیل حق شورایی کارگران و زحمتکشان تضییع شده است؟

مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی با تعویض نام «سندیکا» یا «شورا» متأسفانه دو کار نادرست کرده‌اند: هم دخالت‌های غیر-قانونی خود را در امور سازمان صنفی کارگران قانونی جلوه داده و

در نتیجه کارگران و زحمتکشان را از داشتن تشکل‌های صنفی آزاد و مستقل محروم ساخته‌اند (یعنی اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را زیر پا گذاشته‌اند) و عم حق ایجاد شوراعایی را که اصل ۱۰۴ قانون اساسی به کارگران و زحمتکشان وعده داده است، تضييع نموده‌اند.

مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی در مورد کارگران صنوف نیز کوشیده‌اند آن‌ها را عملاً از داشتن سازمان‌های صنفی آزاد و مستقل محروم سازند و تحت عنوان «ایجاد شوراعا در صنوف» در صدد برآمده‌اند که فکر ایجاد تشکل‌های دولتی یا شبه‌دولتی را در میان صدها هزار کارگر و زحمتکش صنوف نیز تسری دهند.

\*\*\*

#### ۸- وزارت کار و امور اجتماعی آزمووده را مجدداً می‌آزماید.

اقدام وزارت کار و امور اجتماعی، که در صدد برآمده با تکیه بره‌صوبه بنی‌صدری شورای انقلاب و آیین‌نامه‌های تنظیمی و تصویبی شورای عالی کار، نظارت و کنترل خود را بر سازمان‌های صنفی کارگران و زحمتکشان برقرار کند و حق تشکل آزاد و مستقل صنفی را از آنان سلب نماید، بظاهر اقدامی بسود انقلاب و به‌نفع کارگران و زحمتکشان جلوه داده میشود. لیکن واقعیت امر اینست که این اقدام هم بزبان انقلاب و هم بزبان کارگران و زحمتکشان است.

محروم داشتن کارگران و زحمتکشان از تشکل آزاد و مستقل صنفی تحت عنوان ایجاد «شوراعا» بزبان انقلاب است. تجربه ایجاد سازمان‌های صنفی دولتی یا نیمه دولتی در هیچ کشوری، منجمله در کشور ما ایران، موفق نبوده است. مگر رژیم سلطنتی وابسته از این تجربه چه بدست آورد، که حالا مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی میخواهد همان تجربه را تکرار کند؟

دستگاه تبلیغاتی شاه ادعا می‌کرد که یک میلیون و نیمه‌نفر و یا حتی تعداد بیشتری از کارگران و زحمتکشان زیر پوشش سندیکاها از بالا تشکیل شده آریاه‌ری هستند. ولی آیا طبقه کارگر ایران به دنبال آن سندیکاها می‌فرمایند و سازمان‌های کارگری ساختگی رفت؟ یا اینکه به‌آنها پشت‌پا زد و سندیکاها را قلابی و فرمایشی ساواک‌زده را به‌زباله‌دان تاریخ فرستاد؟

چرا وزارت کار و امور اجتماعی میخواهد آن تجربه ناموفق ضد کارگری را بار دیگر به‌اجرا بگذارد؟ آیا مسئولین هیچ فکر کرده‌اند

که دخالت‌های آنها در تشکل‌های صنفی، یعنی بی‌اعتمادی به کارگران و زحمتکشان، و اینکه این امر به پیوند بین آنها و حاکمیت انقلابی ضربه می‌رساند؟ این رفتار شایسته طبقه کارگری نیست که با صداقت تمام در انقلاب شرکت کرده و بیشترین سهم فداکاریها را در مبارزه علیه امپریالیسم و ضدانقلاب بمهده داشته و دارد، چرا مسئولین وزارت کار، درباره این مسائل تامل نمیکنند؟

تجربه محروم داشتن کارگران و زحمتکشان از تشکل‌های آزاد و مستقل صنفی، ولو تحت عنوان «شورا» عم باشد، بزبان توده کارگران و زحمتکشان است. وزارت کار و امور اجتماعی وقتی نخواهد خود را قیم طبقه کارگر قرار دهد و بجای میدان دادن به ابتکار میانیونها زحمتکش از پائین، از بالا برایشان سازمان بسازد، کاری از دستش برنخواهد آمد.

سازمان وزارت کار و امور اجتماعی هر قدر عریض و طویل هم باشند، نمیتوانند جای خالی سازمان‌های صنفی کارگران و زحمتکشان را در صدها هزار کارگاه و کارخانه، مؤسسه و اداره خصوصی و دولتی، تولیدی و خدماتی پرکنند. این فقط خود کارگران و زحمتکشان هر کارگاه و صنف، هر کارخانه و اداره هستند، که میتوانند، با تکیه بر تشکل آزاد و مستقل صنفی خود، قدرت عظیمی را که، عم در خدمت انقلاب باشد و هم حل مسائل مشکلات صنفی - اجتماعی آنان را تسهیل نماید، به وجود آورند. امروز میلیونها کارگر و زحمتکش ایرانی در صدها هزار کارگاه و کارخانه، مؤسسه و اداره، در رشته‌های گوناگون صنعتی، ساختمانی، کشاورزی، بازرگانی، حمل و نقل و دیگر خدمات مشغول بکار هستند. اینان احتیاج به دفاع از منافع صنفی - اجتماعی خود در برابر سرمایه‌داران، اعم از کارفرمایان کارگاه‌های بزرگ یا کوچک دارند.

در برابر کارگران و زحمتکشان صدها مسئله صنفی - اجتماعی حل نشده نظیر روز و ساعت کار، تعطیل و مرخصی هفتگی و سالانه، دستمزد کم و هزینه گران زندگی، فقدان بیمه بیکاری، پیری، ازکار افتادگی، سوانح و امثال آن، محرومیت از بهداشت، سواد و آموزش حرفه‌ای و علمی، مسئله ایاب و ذهاب و مسکن، رعایت ایمنی و بهداشت محیط کار، بازرسی و اجرای مقررات و قوانین در کارگاه‌ها

و نظایر این امور قرار دارد. وزارت کار و امور اجتماعی نه بیرو و نه توان آن را دارد، و نه اصلاً میتواند بجای کارگران و زحمتکشان به حل این مسائل بپردازد. ولی تشکل‌های آزاد و مستقل صنفی کارگران میتوانند موفقانه به حل این مسائل بپردازند.

امپریالیسم و نواستعمار، با کمک سرمایه‌داری محیل و آرمند و غارتگر ایران، دهها سال است که طبقه کارگر کشور ما را از برخورداری از دموکراسی و آزادی فعالیت تشکل‌های صنفی محروم داشته و به دست رژیم‌های دست نشانده طاغوتی، مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران را در این زمینه‌ها غرقه به خون ساخته‌اند. پس از پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی، ضدامپریالیستی و مردمی ایران، که طبقه کارگر ایران عظیم‌ترین نقش را در پیروزی آن ایفاء نموده، تأمین و تضمین آزادی فعالیت‌های صنفی - اجتماعی کارگران و رعایت کامل حقوق آنان در ایجاد تشکل‌های صنفی، مانند آب و هوا برای زندگی و تنفس انسان، هم برای کارگران، هم برای انقلاب، ضرور است. باتأمین و تضمین آزادی و استقلال فعالیت‌های صنفی - اجتماعی کارگران و زحمتکشان، باید به آنها فرصت داد، تا از زیر بار فرهنگ طاغوتی و امپریالیستی برده پرور - همانطور که آقای مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر در نطق خود در نماز جمعه ۸ آبان‌ماه ۶۰ اشاره کرد - خارج شوند و به فرهنگ آزادیبخش کارگری، که احیاء کننده شخصیت انسانی میلیونها کارگر و زحمتکش زجر دیده و ستم - کشیده کشور ماست، دست یابند. چرا وزارت کار و امور اجتماعی با دخالت‌های آشکار و زیر پرده خود سعی بر آن دارد، تا مانع از دسترسی کارگران و زحمتکشان ایران به تشکل آزاد و صنفی شود، تشکلی که از کارگر زیر ستم و احیاناً آگاه دیروز، انسانی آزاد، آگاه، مبارز و انقلابی امروز را میسازد و باید بسازد؟

استدلال، مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی در جلوگیری از تشکل آزاد و مستقل صنفی کارگران و تبریته دخالت خود در این کار میتواند این باشد که، گویا رهبری سازمان‌های صنفی میتواند بدست عناصر ناپاب و ضد انقلابی و طاغوتی‌های گذشته بیفتد. این دیگر عذر بدتر از گناه و در عین حال توهین به طبقه کارگری است که در شرایط پس از پیروزی انقلاب، نه فقط از انقلاب مانند مردمک چشم حفاظت کرده و میکند، بلکه به هیچ نوع انحرافی از خط اصلی

ضدامپریالیستی و مردمی انقلاب راه نداده است. کارگران در صفوف خود نه فقط دست رد به سینه طاغوتی‌ها و ضدانقلابیون گذاشتند، که با منحرفین چپ‌نما نیز به مبارزه جدی پرداختند. نگرانی‌های مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی در مورد طبقه کارگر ایران و حرکت آزاد و مستقل صنفی - سیاسی آن، بی‌پایه است. باید به طبقه کارگر اعتماد داشت. بی‌اعتمادی به طبقه کارگر ایران، بی‌اعتمادی به کل انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی مین ماست.

\*\*\*

## ۹- اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی و تعهدات بین‌المللی وزارت کار و امور اجتماعی.

وزارت کار و امور اجتماعی نه تنها از جهت رعایت حقوق صنفی و سوراخی، که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای کارگران و زحمتکشان به رسمیت شناخته، بلکه همچنین از جهت تعهدات بین‌المللی خود در قبال سازمان‌های جهانی کارگران و زحمتکشان مجاز به دخالت در امور تشکل‌های صنفی کارگران و زحمتکشان نیست. دولت جمهوری اسلامی ایران مقاله‌نامه‌ها و توصیه‌ها و اعلامیه‌های جهانی تضرع‌کننده حقوق صنفی کارگران و زحمتکشان را به رسمیت شناخته است. وزارت کار و امور اجتماعی مجاز نیست که به بهانه این‌نامه‌ها و اساسنامه‌های مصوبه خود، که برخلاف اصول قانون اساسی نیز هست، به دخالت در امور تشکل صنفی کارگران و زحمتکشان بپردازد.

اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی مصوبه ۱۳۵۷، مستند به منشور حقوق سندیکائی زحمتکشان مصوبه ۱۳۳۳ و مقاله‌نامه‌های شماره ۷۸، ۹۸، ۱۱۱، ۱۳۵، ۱۴۱ سازمان بین‌المللی کار، که دولت ایران آنرا به رسمیت می‌شناسد و مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی در دوران پس از انقلاب چندین بار در جلسات آن شرکت کرده‌اند، آزادی و استقلال سازمان‌های صنفی کارگران و زحمتکشان را به عنوان اصول خدشه‌ناپذیر اعلام میدارد و دخالت دولت‌ها در کار این سازمان‌ها را تحت هیچ عنوانی جایز نمیشمارد.

اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی مقرر میدارد:

«زحمتهکشان، از جمله کارمندان دولت، حق دارند، بدون کسب اجازه گرد هم آیند. سندیکا تشکیل دهند. به سازمان‌های سندیکائی موجود بپیوندند، بدون اجازه و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان در هرگونه فعالیت سندیکائی شرکت نمایند... اعضای سندیکاهای آزادانه اساسنامه سندیکای خود را تنظیم میکنند و طرز کار و فعالیت‌های سندیکا را بدون دخالت و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان سازمان می‌دهند. اعضای سندیکا حق دارند، طبق اساسنامه، رهبران سندیکا را انتخاب کنند و به عضویت ارکان‌های رهبری سندیکائی انتخاب شوند.» (رجوع شود به مواد ۱ تا ۵ اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی، هفته‌نامه اتحاد، شماره ۱۲۲، ۵ آبان ۱۳۶۰).

در مواد دیگر همین اعلامیه به تصریح گفته میشود:

«سازمان‌های سندیکائی حق دارند به نمایندگی زحمتهکشان، برطبق اساسنامه‌ای که خود آنان آزادانه تنظیم و تصویب کرده‌اند، بدون دخالت یا کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان، فعالیت نمایند. سندیکاهای شخصیت حقوقی دارند.»

«سازمان‌های سندیکائی حق دارند طرز انتخاب رهبران و ارگان‌های اجرایی خود را آزادانه تعیین کنند، اداره امور داخلی خود را سازمان دهند و برنامه عمل خود را تدوین نمایند.»

«اداره امور مالی سندیکا فقط حق سندیکاست و مقامات دولتی و کارفرمایان حق دخالت و کنترل آنها ندارند. اموال و دارائی سندیکا را به هیچ عنوان نمیتوان مصادره کرد.» (مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲).  
ماده ۱۴، ۱۶ و ۱۷ اعلامیه به سندیکاهای حق میدهد:

«بدون کسب اجازه از مقامات دولتی کنفرانس، کنگره، گردهمایی، تظاهرات، از آنجمله تظاهرات خیابانی تشکیل دهند.»

«اماکن ثابتی را که درخور فعالیت آنهاست، از مقامات دولتی به دست آورند و خودشان منحصرأ آنها را اداره کرده، مورد استفاده قرار دهند.»

«برهبنای حرة، صنعت، محل اسنان و کشور فدراسیون تشکیل دهند و یا به فدراسیون‌های موجود بپیوندند.»

«سازمان‌های سندیکائی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت با سازمان‌های سندیکائی منطقه‌ای، بین‌المللی و سازمان‌های سندیکائی کشورهای دیگر هیئت‌های نمایندگی مبادله کنند و با آنها ارتباط

برقرار سازند.» (ماده ۶۰).

«سازمان‌های سندیکائی حق دارند به سازمان سندیکائی منطقه یا بین‌المللی مطالب خود بپیوندند.» (ماده ۵۷).

در ۷۶ ماده اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی، ضمن آنکه حق پرداختن به دفاع از منافع صنفی - اجتماعی زحمتهکشان در همه زمینه‌ها، اعم از مسائل کار و زندگی، آموزشی و فرهنگی، انعقاد قرارداد دسته‌جمعی و بازرسی، نظارت بر استخدام و اخراج از کار، مشارکت در ضوابط ترفیع و افزایش دستمزدها، سازمان‌دهی فعالیت‌های ورزشی و عزری و ده‌ها مورد دیگر، به تشکلهای صنفی داده شده، همچنین حقوق سندیکاهای در امر مشارکت در اداره و نظارت بر تولید اجتماعی نیز به رسمیت شناخته شده است.»

«زحمتهکشان و سازمان‌های سندیکایی آنها حق دارند در گزینش، اجرا و نظارت بر برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی دموکراتیک مشارکت داشته باشند.»

«سازمان‌های سندیکایی حق دارند بهنگام تدوین سیاست‌های صنعتی، اصلاحات ارضی، تنسیق سرزمین و حمایت از محیط زیست طرف مشهورت قرار گیرند، تا بتوانند از منافع زحمتهکشان دفاع کنند.»

«دوات‌ها باید مقررات الزام‌آوری برای کارفرمایان و مقامات دولتی، به منظور تضمین برخورداری واقعی سازمان‌های سندیکائی از حق نظارت دموکراتیک بر اداره امور... بویژه مشارکت در نظارت بر نوسازی و بهبود تواید و برتصهیم‌گیری در هر مسئله‌ای که مربوط به تغییر مالکیت مؤسسه و تغییرات کیفیت فنی تولید باشد، ... وضع کنند.» (مواد ۳۴، ۳۵ و ۵۶).

و بالاخره اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی مبتنی بر مصونیت محل کار سندیکاهای و مکالمات تلفنی، مکاتبات آنها، ممنوعیت تعلق و یا انحلال سندیکاهای از طریق قانونی یا اداری، تضمین حق گرد هم آیی سندیکائی از طریق ممنوع ساختن داخله دولتی (اعم از اداری، پلیسی یا نظامی) و کارفرمایان، در هر امری که با فعالیت سازمان‌های سندیکائی مربوط باشد (مجامع، انتخابات، گردهمایی) و نظایر آنست (مواد ۳۲ و ۳۱).

«دوات‌ها نباید از طریق قوانین و در عمل در مقابل روند وحدت

سندیکائی، در هر سطحی که زحمتکشان مایل باشند، مانع ایجاد کنند.» (ماده ۳۰).

این حقوق و مواد را مقایسه کنید با مداخلات آشکاری که وزارت کار و امور اجتماعی، تحت عنوان «تدوین و تصویب آییننامه اساسنامه‌های شورای اسلامی کارکنان و صنوف»، به استناد مصوبه بنی‌صدری شورای انقلاب، برای خود برسمیت شناخته است. ما موارد مختلف و متعدد این مداخلات را ضمن بررسی آنها آشکار ساختیم.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی مقرر می‌دارد: فعالیت صنفی آزاد است و کارگران و زحمتکشان، از جمله کاره‌ندان دولت، حق دارند آزادانه و بدون کسب اجازه گرد هم آیند، سندیکا تشکیل دهند، آزادانه به تنظیم و تصویب اساسنامه سندیکای خود بپردازند، انتخابات آزاد سندیکائی داشته باشند.

وزارت کار و امور اجتماعی تحت عنوان «تدوین آییننامه‌های شورائی»، بخود حق می‌دهد که در کار شکل صنفی زحمتکشان دخالت کند، برای آنها اساسنامه بنویسد، در انتخابات آنها دخالت نماید و به این دخالت‌ها زیرنام «شورا» مشروعیت قانونی ببخشد.

اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی مقرر می‌دارد:  
«امور مالی سندیکاهای، گردهمایی آنها در سطوح مختلف و ارتباط داخلی و بین‌المللی‌شان کار خود تشکلهای صنفی است و کسی حق دخالت در آن را ندارد.»

وزارت کار و امور اجتماعی، تحت عنوان «آییننامه‌های شورائی» از تشکلهای کارگری می‌خواهد که:

«گزارش یکماهه کار خود را به انضمام گزارش مالی به آن بدهند» و «ارتباط و ائتلاف و احاطی یا هرگونه تشکلات داخلی و بین‌المللی» را به‌جای دوامت قبلی و کتبی واحد کار و امور اجتماعی «موکول نمایند، والا منحل خواهند شد.» (بند ۱۰ ماده ۲۸ - اساسنامه شورای اسلامی کارکنان).

اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی که تمام مواد آن با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انطباق کامل دارد، مبتنی بر مصونیت سندیکاهای و ممنوعیت تطبیق و یا انحلال آنها از طریق قانونی یا

اداری است.

وزارت کار و امور اجتماعی، تحت عنوان «آییننامه و اساسنامه‌های شورائی»، نه تنها چنین مصونیتی را نقض میکند، بلکه علناً ناظر بر انحلال آنهاست. در ماده ۲۷ «اساسنامه شورای اسلامی کارکنان» و بند ۲ آن عیناً چنین نوشته است:

«ماده ۲۷ - شورا در موارد زیر منحل می‌شود. ۲ - در صورت صدور رای قطعی از طرف وزارت کار و امور اجتماعی بعات تخلف شورا از قانون و مقررات مربوطه.»

جالب اینکه «استنکاف از اجرای آراء عیث حل اختلاف و شورایعالی کار در موارد مربوطه، که در هر دوی آنها نمایندگان کارفرمایان نیز حضور دارند»، و همچنین «ممانعت از ارسال گزارش وسیله شورا... برای... واحد کار امور اجتماعی» و نظائر آن، جزء این تخلف‌ها بشمار آمده است.

و بالاخره، اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی، که دولت ایران نیز آن را پذیرفته و خود را موظف به اجرای آن می‌داند، حاکیست که: «دولت‌ها نباید از طریق قوانین و در عمل در مقابل روند وحدت سندیکائی، در هر سطحی که زحمتکشان مایل باشند، مانع ایجاد کنند.»

آن وقت وزارت کار و امور اجتماعی، تحت عنوان «تدوین آییننامه و اساسنامه‌های شورائی»، نه فقط تشکیلاتی را که بنظر مسئولین وزارت کار مفید است، بجای سندیکا و شورا به کارگران و زحمتکشان تحمیل میکند، بلکه رسماً اعلام می‌دارد و مینویسد که: در واحدهائی که شورا تشکیل می‌شود، جهت‌های صنفی دیگر رسمیت نخواهد داشت.» (ماده ۳۶ «آییننامه شورای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی - صنعتی - کشاورزی و خدماتی» و ماده ۲۸ «آییننامه شورای اسلامی کارکنان صنوف»).

ما دیگر به ماده ۱۴ «لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی» بنی‌صدری اشاره نمی‌کنیم، که بر حق قانونی زحمتکشان بزرگترین و سابقه‌دارترین رشته‌های صنعتی کشور، نظیر صنایع نفت، فولاد، مس و... یک قلم بطلان کشیده و تشکیل شوراهای آنها را «منوط به تصویب هیئت وزیران، دانسته است!

\*\*\*



## ۱۰ - ضرورت لغو قوانین و آیین‌نامه‌های ناقض حقوق صنفی و شورایی کارگران و تصویب و اجرای قانون کار انقلابی.

با توضیحاتی که دادیم، آیا میتوان گفت که لایحه قانونی بنی‌صدری شورای انقلاب و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌هایی که به استناد آن تنظیم شده، مورد قبول و موافقت زحمتکشان است؟ پاسخ این سؤال روشن است:

مقررات و آیین‌نامه‌هایی که اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق سندیکائی کارگران را نقض میکند و زیر پا میگذارد، نمیتواند مورد قبول کارگران و زحمتکشان باشد.

کارگران و زحمتکشان ایران با برجاترین نیروی انقلاب بزرگ اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی ایران هستند. کارگران با تمام نیرو و ابزار حد اعلائی فداکاری، از انقلاب و تعمیق و گسترش آن دفاع میکنند. بهمین جهت آنها مصرانه خواهان شناسائی و رعایت حقوق صنفی و شورایی خود هستند.

ولی کارگران و زحمتکشان ایران متأسفانه ناظر آن هستند که بر فعالیت‌های وزارت کار و امور اجتماعی، صرفنظر از نیت مسئولین آن، همان معیارها و برداشت‌های زمان طاغوت، که محروم‌داشتن کارگران از استفاده از حق تشکل آزاد و مستقل صنفی را وظیفه خود میدانست و بخود اجازه میداد که در تشکل‌های صنفی دخالت کند و حتی برای کارگران سندیکا بسازد، حاکم است. گویی اصولاً انقلابی نشده و رژیم طاغوتی سرنگون نگشته است، والا پذیرفتنی و باورکردنی نیست که، وزارت کار و امور اجتماعی دوران پیروزی انقلاب به‌خود اجازه دهد که آشکارا و گاه پنهانی حقوق صنفی و شورایی کارگران را زیرپا بگذارد. وزارت کار و امور اجتماعی به

اجرای قوانین و آیین‌نامه‌هایی پرداخته، که ناقض اصول قانون اساسی و دیگر حقوق شناخته شده تشکل‌های کارگری است. کارگران و زحمتکشان ایران، با مراجعات مکرر به وزارت کار و امور اجتماعی، شناسائی حقوق صنفی و شورایی خود را، چنانکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منعکس است، خواستار شده‌اند. آنها بدفعات ضرورت تهیه لایحه قانون انقلابی کار را، با شرکت نمایندگان کارگران، به مسئولین متذکر شده‌اند، ولی متأسفانه طی سه سال پس از پیروزی انقلاب، هنوز نتیجه‌ای به‌دست نیاورده‌اند.

قانون موقتی و انقلابی جدید کار باید بیانگر پیروزی انقلابی باشد که، به‌گفته ادام خمینی، به مستضعفین نظر دارد. قانون جدید کار باید بازتاب حقوق اعطائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های مختلف، بویژه حقوق صنفی و شورایی، بکارگران و زحمتکشان باشد.

اکنون که امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، با اعتماد به مجلس شورای اسلامی، اختیارات لازم را برای وضع قوانین بسود زحمتکشان به آن تفویض کرده‌اند، امید است که مجلس شورای اسلامی تنظیم و تصویب قانون انقلابی کار را در دستور کار خود قرار دهد. این قانون باید هم بر تامین استقلال و آزادی تشکل‌های صنفی طبقه کارگر مبتنی باشد، و هم پیوند انقلابی بین طبقه کارگر و حاکمیت انقلابی را بسود استواری جمهوری اسلامی ایران، پیروزی کامل انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی و نیل به هدفهای استقلال‌طلبانه، آزادی‌خواهانه و پیشرفت اجتماعی - اقتصادی جامعه انقلابی ایران تحکیم کند.

کارگران و زحمتکشان ایران انتظار دارند که دولت و مسئولین صدیق و انقلابی وزارت کار و امور اجتماعی از بذل کمک و مساعدت به تدوین و تصویب قانون انقلابی کار، با یاری گرفتن از خود کارگران، دریغ نکنند.

کارگران و زحمتکشان ایران برای تصویب قانون انقلابی کار و تحقق حقوق صنفی و شورایی خود، با تکیه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - که این حقوق را برسمیت شناخته است - به مبارزه ادامه خواهند داد.

\*\*\*

نظامی- اقتصادی و سیاسی آن کارگران و زحمتکشان درصفت مقدم قرار داشته و دارند. در جنگ آمریکای جنایتکار به دست صدام علیه ایران، کارگران و زحمتکشان در تامین پیروزی در جبهه و پشت جبهه نقش اساسی داشته و دارند.

نقش کارگران و زحمتکشان در خنثی ساختن محاصره اقتصادی، در احیاء تولید و خدمات، در پیشبرد اقتصاد ملی کلیدی است. کارگران و زحمتکشان در دوران پس از انقلاب نشان داده اند که در تحمل محرومیت های ناشی از جنگ، خرابکاری های ضدانقلاب، محاصره اقتصادی، بیکاری، گرانی، تورم و نظایر آن، متحمل ترین طبقه اجتماع هستند و سختی های انقلاب را، به خاطر حفظ و تثبیت آن، با جان و دل خریدارند.

همه اینها بیانگر آن است که حاکمیت انقلابی می تواند با اعتماد و اطمینان به کارگران و زحمتکشان بنگرد و برای غلبه بر کلیه دشواری ها، آنان را به یاری بطلبد و به آنان تکیه کند.

### انقلاب و مبرم ترین خواسته های کارگران و زحمتکشان

کارگران و زحمتکشان، که تمام نیرو و توان خود را در خدمت انقلاب قرار داده اند، متقابلاً انتظار دارند که انقلاب به مبرم ترین خواسته های بحق و قانونی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنان پاسخ مثبت دهد. انتظار کارگران و زحمتکشان آن است که در نوبه اول کارگران و زحمتکشان از حقوق مصرحه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منجمله آزادی فعالیت صنفی، اجتماعی و سیاسی، برخوردار گردند. کارگران و زحمتکشان همچنین می خواهند که با تغییرات بنیادی در مناسبات اقتصادی موجود، دست کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و عوامل واسطه از استعمار و غارت زحمتکشان کوتاه گردد. کارگران و زحمتکشان می خواهند که با تصویب قانون کار انقلابی از حقوق میلیون ها کارگر و زحمتکش دفاع به عمل آید، و در مجموع، موجبات لازم برای رشد و تعالی انسان های زحمتکش، فارغ از ترس، از بیکاری، اخراج از کار، گرسنگی، بیسوادی، محرومیت از بهداشت و فرهنگ فراهم آورده شود. کارگران و زحمتکشان باید امکان داشته باشند که از نعمات مادی و معنوی جامعه ای مستقل، آزاد و برخوردار از عدالت اجتماعی، به عنوان مهم-

### ۱۱- پیوند استوار کارگران و زحمتکشان با انقلاب و ضرورت حل مسائل گرهی صنفی- شورایی در مرحله کنونی.

تشکیل چهارمین کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارگران و زحمتکشان کارخانجات در آستانه سومین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، ضمن اینکه بیانگر پیوند استوار میان کارگران و زحمتکشان و انقلاب و حاکمیت انقلابی به رهبری امام خمینی بود، در عین حال ضرورت حل مسائل گرهی جنبش صنفی- شورایی طبقه کارگر ایران را در مرحله کنونی بار دیگر مطرح ساخت. کنگره نشان داد که، مسائل گرهی در برابر مجموعه کارگران و زحمتکشان ایران قرار دارد، که تا به درستی حل نشود جنبش صنفی- شورایی قادر نخواهد بود از تمام توان بالقوه خود به سود تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب از یک طرف و برآوردن خواسته های بحق و قانونی میلیون ها کارگر و زحمتکش از جانب دیگر استفاده نماید.

### کارگران و زحمتکشان استوارترین پایگاه انقلاب بشمار می روند

کارگران و زحمتکشان ایران، همانطور که امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بارها تاکید کرده اند مهم ترین نیروی انقلاب و استوارترین پایگاه آن به شمار می روند. کارگران در تدارک و تکوین و پیروزی انقلاب نقش قاطع داشتند. در دفاع از دستاوردهای انقلاب و تمهیق و گسترش آن در سه سال گذشته، سهم عمده را کارگران و زحمتکشان ادا کردند و میکنند. در مبارزه علیه سلطه امپریالیسم به سرکردگی آمریکا و طرد توطئه های

ترین دستاوردعای انقلاب ، استفاده کنند. کارگران و زحمتکشان  
انتظار دارند که حاکمیت انقلابی به توقعات آنان در این زمینه‌ها  
پاسخ مثبت و سریع بدهد.

### دستاوردهای انقلاب برای کارگران و محرومیت‌های باقیمانده آنان

کارگران و زحمتکشان می‌دانند که انقلاب دستاوردعای عظیمی  
برای آنان به ارمغان آورده است. رهائی کارگران و زحمتکشان از  
سلطه رژیم پلیسی ضد کارگری طاغوت و تسلط امپریالیسم جهانی  
به سرکردگی آمریکای جهانخوار، کسب قانون اساسی جمهوری اسلامی  
ایران و انعکاس مبرم‌ترین خواست‌های کارگران و زحمتکشان  
در آن - همه پیروزی‌های مهم و چشمگیر و سرنوشت سازی هستند.  
در سایه این پیروزی‌ها وضع کارگران و زحمتکشان ایران نسبت به  
دوران اسارت بار قبل از انقلاب، تغییر اساسی نموده و زمینه رهائی  
آنان از استثمار و ظلم اقتصادی و سیاسی پایه‌گذاری شده و می‌شود.  
ولی با وجود کسب این پیروزی‌ها، کارگران و زحمتکشان در  
موارد بسیاری از تحقق حقوق قانونی و بحق خود، منجمله حقوقی که  
در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده ،  
همچنان محروم نگاه داشته شده‌اند. عدم رعایت حقوق صنفی و  
شورائی کارگران و زحمتکشان - طبق اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون  
اساسی جمهوری اسلامی ایران - در تشکیل انجمن‌های صنفی و  
مشارکت در نهاد قانونی شورائی ، ادامه اجرای قوانین و مقررات  
ضد کارگری قانون کار گذشته - مانند ماده ۴۳ - محروم داشتن  
کارگران و زحمتکشان از تدوین و تصویب قوانین کار و تأمین اجتماعی  
بمشارکت نمایندگان واقعی آنان، عدم رعایت امنیت شغلی زنان و مردان  
کارگر در محیط کار، به‌عنوان غیرمجاز دگراندیشی ، تبعیضات  
جنسی و سیاسی و عقیدتی، تصمیم گیری‌های خنق‌الساعه در مورد  
کارگران و زحمتکشان، بدون انطباق با نیازهای کارگری و نظایر آن -  
نمونه‌هایی از تضییع حقوق کارگران و زحمتکشان در شرایط کنونی  
به‌شمار می‌رود. این محدودیت‌ها و تضییقات با اصول قانون اساسی  
مغایر است و کارگران و زحمتکشان از حاکمیت انقلابی چنین تومی  
ندارند.

### مسئله گرهی جنبش صنفی - شورائی کارگران و زحمتکشان در لحظه کنونی

آنچه به‌ویژه باید بدان اشاره کرد، تضییع حقوق صنفی و  
شورائی کارگران و زحمتکشان است. اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری  
اسلامی ایران، دایره به آزادی انجمن‌های صنفی و خودداری از مرفوع  
دخالتی در کار آنها، و اصل ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی  
ایران ، دائره به تأمین حق مشارکت کارگران و زحمتکشان در نظارت  
و اداره تولید اجتماعی از طریق ایجاد شوراهائی مرکب از نمایندگان  
کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران است. متأسفانه این  
اصول تا به امروز به درستی به اجرا در نیامده‌اند. از این مهم‌تر آنکه ،  
این اصول مورد تفسیرهای خودسرانه و گوناگون قرار گرفته ، و حتی  
با تصویب لایحه قانونی، تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان ...  
به وسیله لیبرال‌ها و اجرای آئین نامه‌های آن، حقوق صنفی و شورائی  
کارگران و زحمتکشان علناً نقض شده است.

تنها محافل معین و مشخص لیبرالی و با قشری نیستند ، که با  
تصویب لوایح و آئین‌نامه‌ها و با تکیه بر بهانه ایجاد تشکل‌های  
عقیدتی - سیاسی در محیط‌های کار، مانع از تحقق حقوق صنفی و  
شورائی کارگران و زحمتکشان شده‌اند ، متأسفانه وزارت کار و امور  
اجتماعی نیز در تمام دوران پس از پیروزی انقلاب تا امروز ، عملاً  
تغییری در روش خود نسبت به گذشته نداده ، معیار کار خود را، در  
برخورد با حقوق کارگران و زحمتکشان ، ادامه ضوابط گذشته و دخل  
و تصرف‌های غیرقانونی در تشکل‌های صنفی، ممانعت از تشکیل  
آنها و بهانه‌تراشی‌های بیمورد و نظایر آن دانسته است.

### حجالت ناروا به تشکل‌های اصیل کارگران و زحمتکشان

این اواخر تشکل‌های صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان  
آماج حملات ناروای گوناگون دیگری قرار گرفته‌اند. از یک طرف  
کوشش می‌شود که حاکمیت انقلابی را از تشکل‌های صنفی کارگران  
و زحمتکشان، تحت این عنوان که اینها گویا طاغوتی هستند، وسیله  
طرد حاکمیت بشمار می‌روند ، ضد اسلام و دین هستند و نظایر این  
اتهامات بترسانند و در نتیجه به انحلال تشکل‌های صنفی ترغیب

کنند. این نوع تبلیغ ناروا علیه تشکل‌های صنفی اصیل کارگران و زحمتکشان، جز محروم ساختن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از پشتیبانی میلیون‌ها کارگر و زحمتکش مؤمن و متعهد به انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی، نتیجه دیگری نمی‌تواند داشته باشد. از جانب دیگر هدف حملات ناروا علیه تشکل‌های صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان و دعوت حاکمیت انقلابی به اعمال فشار به این تشکل‌ها، بدبین ساختن کارگران و زحمتکشان نسبت به حاکمیت انقلابی در مورد تحقق خواست‌های بحق خود در جمهوری اسلامی ایران است. می‌خواهند به کارگران و زحمتکشان چنین تلقین کنند که گویا انتظار آن‌ها از برآورده شدن خواست‌های خود در جمهوری اسلامی ایران، انتظار عبثی است. روشن است که این نوع تبلیغات نیز جز دور کردن کارگران و زحمتکشان از حاکمیت انقلابی، و در نتیجه ضعیف کردن جبهه انقلاب، عطف دیگری ندارد.

هدف از تبلیغ خصومت بین حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و کارگران و زحمتکشان، آگاهانه یا ناآگاهانه، آن است که، با تکیه بر سلاح «تفرقه بیانداز و حکومت کن»، هم انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را از پا درآورند و هم کارگران و زحمتکشان را به اسارت امپریالیستی، ظلم و استثمار قرون وسطائی بازگردانند.

مجموعه این مسائل، با در نظر گرفتن این‌که توطئه‌های امپریالیستی‌ها و ضد انقلاب داخلی به‌ویژه این اواخر در زمینه مسائل کارگری جنبه خطرناکی به خود گرفته، و دشمنان انقلاب سعی می‌کنند به طرق مختلف جو نارضایتی را در محیط‌های کارگری دامن زنند، و از آن به سود مقاصد شیطنانی خود استفاده نمایند، نشان می‌دهد که به حل مسائل کارگری باید توجه خاصی مبذول گردد و به ویژه باید در مورد مهمترین مسائل مطروحه برای کارگران و زحمتکشان، حاکمیت انقلابی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و دولت تصمیمات قاطعی اتخاذ کنند و در موارد زیر اطمینان خاطر کارگران و زحمتکشان را تامین نمایند:

**الف - رعایت اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران** در زمینه آزادی کارگران و زحمتکشان در ایجاد تشکل‌های صنفی، خودداری از مرنوع دخالتی در امور این تشکل‌ها و توجه به این امر که طبق قانون اساسی هیچکس را نمی‌توان از شرکت، در انجمن‌های

صنفی منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت، به کلیه مقامات ذیربط دولتی، مدیران و کارفرمایان واحدهای تولیدی - خدماتی، بخش دولتی و خصوصی، اعم از بزرگ و کوچک، توصیه شود. به وزارت کار و امور اجتماعی توصیه شود که در ضوابط گذشته، که دخالت وزارت کار را در تشکل‌های صنفی مجازمی دانست و تحت این عنوان مانع از ایجاد تشکل‌های آزاد و مستقل صنفی می‌گردید، تجدید نظر نماید و اصل عدم دخالت در امور تشکل‌های صنفی کارگران و زحمتکشان و رعایت دقیق اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را مرعی دارد.

**ب - «لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی کارکنان واحد - های تولیدی، صنعتی و کشاورزی و خدماتی» و «آئین‌نامه‌های آن» که به حال تعلیق درآمده، و مظهر مخالفت لیبرال‌ها با تشکل‌های صنفی کارگران و حقوق شورائی آنان و ناقص اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی است، لغو گردد.** لغو لایحه قانونی و آئین‌نامه‌های آن به عیچوجه نباید به معنی نادیده گرفتن اهمیت جنبش شورائی کارگران و زحمتکشان، و تشکل‌هایی که در جریان آن در واحدهای تولیدی - خدماتی بزرگ به وجود آمده و مظهر اراده کارگران و زحمتکشان به مشارکت در نظارت و اداره تولید اجتماعی و نشانه بلوغ جنبش صنفی کارگران و زحمتکشان ایران به‌طور کلی است، تلقی گردد.

تشکل‌های اصیل شورائی کارگران و زحمتکشان در مرحله کنونی انقلاب به منظور نیل به انسجام تشکل صنفی کارگران و زحمتکشان از همان درجه اهمیت برخوردارند، که سندیکاها، اتحادیه‌ها، کانون‌ها و دیگر انجمن‌های صنفی، به همین منظور، ضمن تأکید بر آزادی کارگران و زحمتکشان در ایجاد انجمن‌های صنفی در سطح کلیه واحدهای تولیدی - خدماتی، اعم از کارگاه‌ها، کارخانجات، مؤسسات و ادارات دولتی و خصوصی بزرگ و کوچک، در مؤسساتی که شوراهای کارگری و یا کارکنان مورد اعتماد کارگران و زحمتکشان به ابتکار خود آن‌ها به‌وجود آمده، و صلاحیت انقلابی - صنفی این شوراها در خدمت به انقلاب و دفاع از منافع کارگران در عمل تأیید گشته است، به کارگران و کارکنان امکان داده شود که شوراهای خود را با تغییرات لازم در سازمان و اساسنامه به‌عنوان سازمان صنفی، حفظ و تسجیل نمایند. این شوراها، در ماهیت و مضمون همان

انجمن‌های صنفی متکی به اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران‌اند و اعتبار قانونی آنها طبق این اصل پابرجاست.

**پد ایجاد شورا به‌عنوان نهاد قانونی** مطابق بر اصل ۱۰۴ قانون اساسی در واحدهای بزرگ تولیدی و خدماتی ضرور است، و وظیفه این شوراها، متمایز از شوراهای کارگران و کارکنان، که تشکل صنفی بشمار می‌رود، همانطور که در قانون اساسی گفته شده: «تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی، آموزشی، اداری، خدماتی و مانند، اینهاست».

شوراهای اصل ۱۰۴ قانون اساسی، که از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، به‌عنوان نهادی قانونی در واحدهای تولیدی - خدماتی تشکیل می‌گردد، جانشین تشکل‌های صنفی یا مدیریت نخواهد بود. شورا، به‌عنوان نهاد قانونی، ناظر بر فعالیت اقتصادی - اجتماعی مؤسسه است و با اختیاراتی که قانون به آن می‌دهد، موجبات حل و فصل مسائل و مشکلات و پیشرفت امور را فراهم خواهد کرد.

فقدان نهاد قانونی شورائی در واحدهای بزرگ تولیدی - خدماتی، که تا به‌حال به‌ایجاد آن اقدام نشده، از مدت‌ها به‌این طرف کاملاً محسوس است. به‌همین جهت ضرورت دارد که، موازی با لغو لایحه قبلی تحت این عنوان، لایحه قانونی اجرای اصل ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هرچه زودتر تدوین، تصویب و به اجرا گذاشته شود. طبیعی است که با چنین برخورد درستی به‌اصل ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بهترین طریق انتخاب نمایندگان کارگران یا کارکنان برای شرکت در تشکیل شورای قانونی، دعوت از نمایندگان انجمن‌های صنفی در عرصه تولیدی - خدماتی خواهد بود.

ت - در دوران پس از پیروزی انقلاب، اینجا و آنجا برخی تصویب نامه‌ها به‌سود کارگران و زحمتکشان گذرانده شده و به‌اجرا درآمده است. با این حال تا همین امروز، یعنی سه سال پس از پیروزی انقلاب به‌طور عمده قوانین و مقررات کار زمان طاغوت درباره کارگران اجرا می‌شود. قوانین و مقررات کار طاغوتی، که در آن‌ها حقوق کارگران و زحمتکشان در جهات گوناگون تضییع شده مانع

جدی در راه تامین حقوق سیاسی - اجتماعی کارگران و زحمتکشان و بهبود شرایط کار و زندگی آنان و برخورداری از مزایای انقلاب است.

به‌همین جهت تدوین، تصویب و اجرا قانون کار موقتی و انقلابی، متناسب با شئون انقلاب و نقش مهمی که طبقه کارگر در پیروزی، حفظ، تعمیق و گسترش انقلاب به‌عهده داشته و دارد، از ضرورت و اولویت ویژه برخوردار است. کارگران و زحمتکشان ایران تنظیم و تصویب سریع قانون کاری را می‌خواهند، که باید با نظر و رای نمایندگان آنان تدوین شود. نهادهای قانونی و دولتی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه مجلس شورای اسلامی و وزارت کار و امور اجتماعی، باید هرچه سریعتر مقدمات تدوین قانون کار موقتی و انقلابی را، با دعوت از نمایندگان کارگران، منجمله نمایندگان انجمن‌های صنفی، برای شرکت در چنین کاری، فراهم آورند، و قانونی را که متناسب با شئون انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و حافظ منافع کارگران و زحمتکشان باشد، به تصویب برسانند.

ج - تامین حقوق کارگران و زحمتکشان جدا از حل مسائل بنیادی جامعه ایران در دوران پس از پیروزی انقلاب نیست. کارگران و زحمتکشان به خوبی واقفند که در مرحله کنونی، حل مسائل بنیادی انقلاب، چه در زمینه اجرای اصلاحات ارضی انقلابی در روستا و اجرای بندهای ج، و د، چه در زمینه ملی کردن بازرگانی خارجی و طرد سلطه سرمایه طفیلی تجاری در اقتصاد ایران، چه در زمینه تسرب در پیشرفت اقتصاد کشور بر مبنای اجرای برنامه‌های صنعتی کردن کشور، توسعه کشاورزی، توسعه آموزش و بهداشت و فرهنگ، جدا از مسائل خاص ویژه آنان نیست. اجرای این تغییرات بنیادی، زیربنای تحقق خواسته‌های کارگران و زحمتکشان در دسترسی به زندگی بهتر، تامین کار، پیشرفت اقتصادی و عدالت اجتماعی بشمار می‌رود.

کارگران و زحمتکشان با تمام قوا ضرورت انجام اقدامات فوری در زمینه‌های یادشده را خاطر نشان می‌سازند و تصویب قوانین ضرور جهت اجرای آنها را از نهادهای قانونی و دولتی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه مجلس شورای اسلامی، که طبق فرمان امام خمینی از اختیارات لازم برخوردار شده، خواستارند. کارگران و زحمتکشان

با حمایت و پشتیبانی کامل خود از مصوبات انقلابی قانون مجلس شورای اسلامی ، آماده‌اند تا هر نوع مخالفتی را از سر راه حل مسائل بنیادی انقلاب از میان بردارند و مجری قوانین و مصوبات مترقی و انقلابی باشند.

\*\*\*

سومین سال پیروزی انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران در شرایط تحکیم پیوند بین کارگران و زحمتکشان و حاکمیت انقلابی در راستای تعمیق و گسترش انقلاب به پایان رسید. می‌تواند باید چهارمین سال پیروزی انقلاب را با تامین خواسته‌های بحق و قانونی کارگران و زحمتکشان، به‌ویژه با تکیه به تشکل‌های آزاد صنفی و انقلابی فراگیر آنان ، به‌عنوان یکی از معتبرترین پشتوانه-دفاع از انقلاب در برابر هر خطری ، آغاز نهاد.

تشکل‌های صنفی کارگران و زحمتکشان (اتحادیه، سندیکا ، انجمن ، شورا و نظایر آن). تشکل‌های اتحادیه‌ها (انجمن‌های صنفی، سندیکاها و نظایر آن) سازمان‌های فراگیری هستند ، که زحمتکشان دارای منافع یکسان را ، بسته به نوع فعالیت آنان در تولید، در عرصه خدمات و فرهنگ، متحد می‌سازند.